

جایگاہ دعا
در زندگی فقط سحران امام عصر علیہ السلام

سحران

خلاصہ کتاب «مناجات فقط سحران»

اثر: دکترتہ محمد بنی ہاشمی

پہ قلم: م. طباطبائی حسینی

نیایش شتاقان

جایگاہ دعا

در زندگی فقط کسراں امام عصر علیہ السلام

خلاصہ کتاب «مناجات فقطران»
اثر: دکتر سید محمد بنی ہاشمی

بہ قلم: م. طباطبائی

سرشناسه: م. طباطبایی
عنوان و نام پدیدآور: نیایش مشتاقان: جایگاه دعا در زندگی منتظران امام
عصر علیه السلام، خلاصه کتاب مناجات منتظران، اثر دکتر سید محمد بنی هاشمی
به قلم: م. طباطبایی
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۱۹۶-۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
یادداشت: کتابنامه: به صورت زیرنویس.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. دعاها، تأثیر.
شناسه افزوده: بنی هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹. مناجات منتظران.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹ ن ۹ ط ۱۷ / ۲۶۶ BP
رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷ / ۷۷
شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۲۳۲۹۳



شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۱۹۶-۴ ISBN 978 - 964 - 539 - 196 - 4

نیایش مشتاقان

خلاصه کتاب «مناجات منتظران»

اثر: دکتر سید محمد بنی هاشمی

به قلم: م. طباطبایی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ: پدیده گوتنبرگ

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲ ۱۸۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۶۴ ۸۰۱ ۶۶۸۰۱ (خط ۴) ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز بخش: دارالکتب الاسلامیه، ۵۵۶۲۰۴۱۰ * نشر نیک‌معارف، ۶۶۹۵۰۰۱۰ * نشر آفاق، ۲۲۸۴۷۰۳۵

نشر رایحه، ۸۸۹۷۶۱۹۸ * نمایشگاه کتاب اعراف، ۲۲۲۰۸۵۲۹ * بخش آینه، ۳۳۹۳۰۴۹۶

۲۴۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه	۱۳
۱ - نیاز، بر درگاه بی‌نیاز	۱۵
۲ - اهمیت دعا در مورد امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۶
۳ - این کتاب	۲۰
۴ - موضوعات فصل‌ها	۲۰
۵ - تقدیر	۲۰
فصل ۱: جایگاه اعتقادی دعا	۲۱
معنای دقیق عبادت	۲۳
دعا، برترین عبادت	۲۴
دعا محبوب‌ترین کار و ترک آن مبنغوض‌ترین عمل	۲۴
فضل الهی در گشودن باب دعا	۲۵
دعا بهترین راه تقرب به خدا	۲۵
انگیزه دعا: محتاج بودن به خداوند	۲۶

۲۷ دعا، مغز عبادت
۲۸ تعميم دعا به امور كوچك و بزرگ
۲۹ يكسان بودن حال بلا و عافيت در لزوم دعا
۲۹ برتری دعا بر تلاوت قرآن
۳۰ الهام و اعطای دعا
۳۰ ترك دعا، معصیت و گناه
۳۱ لزوم فراگیر شدن دعا در همه شؤون زندگی
۳۲ منافات نداشتن دعا با کار و زندگی
۳۵ فصل ۲: آثار و نتایج دعا
۳۷ بهترین آثار و نتایج دعا
۳۷ ۱ - وسیله پیروزی و مایه دلگرمی (سلاح)
۳۹ ۲ - سرازیر شدن روزی (روزی مادی و معنوی)
۴۱ دعا به همراه تلاش برای تحصیل روزی
۴۳ ۳ - شفای همه دردها
۴۳ ۴ - رسیدن به موفقیت و رستگاری
۴۴ ۵ - رفع بلاهای نازل شده
۴۶ ۶ - دفع بلای مقدر
۴۸ ۷ - دفع بلای غیر مقدر
۴۹ گناه: منشأ بلا و مصیبت
۵۰ طلب مغفرت و عافیت

۵۳	فصل ۳: معنای اجابت دعا
۵۵	معنای عامّ اجابت
۵۷	انواع اجابت مثبت
۵۷	۱ - برآوردن حاجت در دنیا
۵۷	۲ - عطای بهتر
۵۸	۳ - رفع بلا یا دفع شر
۵۹	۴ - کفّاره گناهان
۵۹	۵ - ذخیره آخرت
۶۱	اجابت نکردن مثبت دعا
۶۱	تعمیل منفی در اجابت دعا
۶۲	انواع تأخیر در اجابت
۶۳	نمونه‌هایی از تأخیر اجابت در دنیا
۶۳	نهی از استعجال در اجابت دعا
۶۴	باز بودن باب اجابت دعا
۶۵	مخفی بودن اجابت در دعاها
۶۵	شرایط اجابت دعا
۶۶	شرایط دعا کننده
۶۶	۱ - معرفت خداوند
۶۷	۲ - تقوا - وفا به عهد الهی
۶۸	۳ - کسب حلال
۶۸	۴ - دعا در حال عافیت
۶۹	شرط اوّل دعا: اقبال قلبی
۶۹	شرط دوم دعا: رقّت قلب

- موانع اجابت ۷۰
- ۱ - پاک نبودن دل ۷۰
- ۲ - حقّ النَّاس ۷۱
- ۳ - گناه ۷۱
- ۴ - مخالفت با حکمت ۷۳
- ۵ - کوتاهی در ایجاد اسباب ۷۴
- ۶ - ترک امر به معروف و نهی از منکر ۷۵
- ۷ - اهل شراب یا آلات موسیقی یا قمار بودن ۷۵
- اجابت شونندگان ۷۶
- ۱ - دعا یا نفرین پدر در حقّ فرزند ۷۷
- ۲ - دعا یا نفرین مظلوم ۷۷
- ۳ - دعا یا نفرین مؤمن در حقّ کسی که به او نیکی یا بدی کرده ۷۸
- ۴ - دعای امام عادل در حقّ رعیت ۷۸
- ۵ - دعای فرزند نیکوکار در حقّ پدرش ۷۹
- ۶ - دعای عمره گزار ۷۹
- ۷ - دعای روزه دار ۸۰
- ۸ - دعای حجّ گزار ۸۰
- ۹ - دعای جهادکننده در راه خدا ۸۱
- ۱۰ - دعای مریض ۸۱
- ۱۱ - دعا پشت سر دیگران ۸۲
- ۱۲ - دعای فقیر مؤمن ۸۲
- ۱۳ - دعای کودکان امت پیامبر ﷺ ۸۳
- ۱۴ - دعای مسافر ۸۳
- ۱۵ - دعای قاری قرآن ۸۴

فصل ۴: آداب دعا	۸۵
۱ - یأس از خلق	۸۷
۲ - رضایه قضای الهی	۸۷
۳ - یقین به اجابت	۸۸
۴ - مقدم کردن نماز	۸۸
نماز مستحب	۸۹
نماز واجب	۸۹
۵ - شروع با بسم الله الرحمن الرحيم	۸۹
۶ - مقدم کردن حمد و ثنای خداوند	۹۰
۷ - یاد کردن از نعمتهای خدا و شکر آنها	۹۰
۸ - صلوات بر پیامبر ﷺ و آل او ﺍﻟﻤﺎﺋﻤﺔ	۹۰
۹ - توسل به اهل بیت ﺍﻟﻤﺎﺋﻤﺔ	۹۱
۱۰ - اقرار به گناهان و استغفار از آنها	۹۲
۱۱ - تعمیم دادن در دعا	۹۲
۱۲ - دعا کردن پنهانی	۹۳
۱۳ - جمعی دعا کردن	۹۳
۱۴ - اصرار و الحاح در دعا	۹۴
۱۵ - گریستن (بکاء)	۹۴
۱۶ - زمان مناسب برای دعا	۹۵
۱۷ - مکان مناسب برای دعا	۹۶
۱ - مسجد الحرام	۹۶
۲ - حائر حسینی	۹۶
۱۸ - در دست داشتن انگشتر عقیق و فیروزه	۹۷

۹۹	فصل ۵: انگیزه‌ها و محتوای دعا برای امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۰۱	انگیزه‌ها و محتوای دعا برای دیگران
۱۰۱	۱ - شفقت و رحمت
۱۰۱	۲ - تلافی کردن احسان
۱۰۱	۳ - چشم دوختن به احسان
۱۰۲	۴ - بزرگداشت و اظهار تواضع
۱۰۲	۵ - پاسخ به التماس دعا
۱۰۲	انطباق مطالب فوق بر امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۰۲	۱ - دعای شفقت و رحمت برای امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۰۴	۲ - دعا برای امام عصر <small>علیه السلام</small> برای تلافی کردن احسان ایشان
۱۰۴	الف و ب) دعا در حقّ دوستان و برای دفع دشمنان
۱۰۴	ج) حلم آن حضرت نسبت به مؤمنان
۱۰۵	د) افاضات علمی به مؤمنان
۱۰۵	ه) شفاعت امام <small>علیه السلام</small> در حقّ ما
۱۰۵	۳ - دعا در حقّ امام عصر <small>علیه السلام</small> از روی امید به احسان ایشان
۱۰۶	۴ - دعا برای امام زمان <small>علیه السلام</small> به انگیزه تعظیم و بزرگداشت ایشان
۱۰۷	۵ - دعا در حقّ ولیّ عصر <small>علیه السلام</small> در پاسخ به التماس دعای ایشان
۱۰۸	برخی مضامین دعا برای امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۰۸	۱ - دعا برای رفع شرور از امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۰۸	۲ - دعا در جهت حفظ امام <small>علیه السلام</small>
۱۰۹	۳ - دعا برای دوستان و به زیان دشمنان امام <small>علیه السلام</small>
۱۰۹	۴ - دعا برای شادی امام <small>علیه السلام</small> به خاطر رعیش
۱۱۰	۵ - دعا برای تعجیل فرج امام <small>علیه السلام</small>

فصل ۶: ضرورت دعا برای تعجیل فرج امام عصر <small>علیه السلام</small>	۱۱۱
الف) رفع بلائی غیبت به وسیله دعا	۱۱۳
تذکر به بلا و مصیبت غیبت	۱۱۳
احساس نیاز به دعا برای تعجیل فرج	۱۱۴
سستی نکردن در مورد این دعا	۱۱۴
اطمینان به نزدیک شدن ظهور	۱۱۵
یقین به اجابت دعای تعجیل فرج	۱۱۵
تأثیر اعتقاد به خدایی بودن امر ظهور در کیفیت دعا برای آن	۱۱۶
ب) اطاعت امر امام <small>علیه السلام</small> به کثرت دعا	۱۱۶

فصل ۷: آثار و فوائد دعا در حق حضرت ولی عصر علیه السلام

مقدمه اول: عدم احتیاج امام زمان <small>علیه السلام</small> به دعاهاى ما	۱۲۱
مقدمه دوم: فایده بخش بودن دعای ما در حق امام <small>علیه السلام</small> به برکت خود ایشان	۱۲۱
الف) فوائد دعاهاى ما برای امام عصر <small>علیه السلام</small>	۱۲۲
۱ - رفع و دفع بلا یا از امام عصر <small>علیه السلام</small> به دعای ما	۱۲۲
۲ - بالا رفتن مقام امام زمان <small>علیه السلام</small> به دعای ما	۱۲۳
۳ - جلو افتادن ظهور امام <small>علیه السلام</small> به دعای ما	۱۲۴
ب) فایده دعا در حق امام زمان <small>علیه السلام</small> برای دعاکننده	۱۲۴

فصل ۸: چگونگی دعا برای امام مهدی علیه السلام

۱ - یأس کامل از خلق	۱۳۱
۲ - اقبال قلبی در دعا	۱۳۲
۳ - رقت قلب	۱۳۳
۴ - تحصیل تقوا و تهذیب نفس	۱۳۴

۱۳۵	۵ - به عهده نداشتن حق الناس
۱۳۵	۶ - معرفت به امام عصر <small>علیه السلام</small> و شکر نعمت وجود ایشان
۱۳۶	۷ - الحاح و اصرار و دوری از سستی
۱۳۶	عوامل مؤثر در پیدایش حالت اصرار در دعا
۱۳۷	شیوه‌های اصرار در دعا
۱۳۷	۱ - اصرار در کمیت دعا
۱۳۷	۲ - اصرار در کیفیت دعا
۱۳۸	۸ - بکاء، ضجّه، تضرّع و ابتهال
۱۳۸	چگونگی پیدایش حال ضجّه و تضرّع
۱۳۹	۹ - دعا در حالات مختلفی که وعده اجابتش داده شده
۱۴۳	۱۰ - نیابت از زندگان و مردگان
۱۴۵	فصل ۹: دعای مأثور و غیر مأثور برای امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۴۷	الف - دعا‌های غیر مأثور
۱۴۸	ب - دعا‌های مأثور
۱۴۸	اهتمام ائمه طاهرين <small>علیهم السلام</small> به دعا در حق امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۴۹	گزیده‌ای از دعا‌های مأثور در حق امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۵۳	فهرست منابع

مقدمہ

۱ - نیاز، بر درگاه بی‌نیاز

سپاس خدای را که قلبها را با دعا زنده گردانید و جانها را با ندای ایمانش آرامش بخشید و با مناجاتش، لذت سخن گفتن با خود را به بندگانش چشاند.

کدام ارزش از این برتر است و کدامین نعمت با این امر برابری می‌کند که پروردگار بزرگ، به بنده‌اش اجازه دهد تا بنده او را مخاطب خود قرار دهد و آنچه را می‌خواهد از او بطلبد. دعا از بزرگ‌ترین عبادات و عظیم‌ترین وسیله برای دفع بلاها و بهترین راه برای طلب خیرات است.

همچنان که قرآن و روایات، انسان را به دعا کردن فرا می‌خوانند و نتایج آن را بیان می‌دارند، عقل آدمی نیز خود بهترین محرک انسان بدین امر است. زیرا دعا ریشه در اعماق وجود آدمی دارد و از گرایشهای اصیل و حقیقی بشر به شمار می‌رود. در واقع، انسان در دریای بیکران جهان هستی، چون قطره‌ای است سرگردان و ناتوان؛ سرگردان

در جهت یافتن راهی روشن، و ناتوان و عاجز در برابر امواج حوادث و نا کامی‌ها.

و تنها با اتصال و پیوند یافتن با آفریننده، آن سرچشمهٔ بیکران اقیانوس حیات، و توکل و تمسک به منبع واقعی قدرتها و کمالات است که مفهوم عجز و فقر در هم می‌شکند و قلب آدمی کانونی مطمئن و تسلی بخش می‌گردد و می‌تواند با اعتماد و اطمینان هر چه بیشتر و بهتر به سوی آینده، گام بردارد.

آن‌گاه که آدمی از همه جا دیده می‌برد، و خسته و ناتوان می‌گردد، آن هنگام که بالهای امید او در هم می‌شکند، آن زمان که با وجود تمامی وسایل متعارف و اسباب و قوای مادی، بازمانده و مأیوس می‌شود، بی‌اختیار، دست نیاز به سوی کسی که منبع تمامی قدرتها است، بر می‌دارد و از او یاری و مدد می‌جوید.

۲ - اَهْمِيَّتِ دَعَا دَر مَوْرِدِ اِمَامِ زَمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بر کسانی که اهل رجوع به احادیث اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در موضوع غیبت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ هستند، مخفی نیست که از دیدگاه پیشوایان گرانقدر ما مهم‌ترین خطر در این زمان، از دست رفتن ایمان و تباه شدن عقاید صحیح است. به همین جهت، امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ با تعابیر مختلف، نسبت به لغزش اهل ایمان و لزوم توجه به راههای نجات از این خطر هشدار داده‌اند. هیچ انسان غیر معصوم - اعم از درس خوانده و درس ناخوانده - نمی‌تواند خود را از وقوع در آنچه به «هلاکت در عصر غیبت» تعبیر فرموده‌اند، مصون و محفوظ بپندارد. از این رو، انسان عاقل بیشترین هم و غم خود را در راه شناسایی بیشتر این خطر و

راههای نجات و مصوتیت از آن، صرف کند.

این خطر همان امری است که صدها سال پیش، مولای دلسوز ما حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را به گریه و اشک و ماتم نشانده بود؛ آنجا که وقتی برخی از دوستان ایشان خدمتشان رسیدند و علت ناراحتی شدید حضرتش را جویا شدند، به آنان فرمودند:

غیبت قائم علیه السلام و دیرکرد او و گرفتار شدن مؤمنان در آن زمان و پدید آمدن شک و تردیدها به سبب طولانی شدن غیبت وی و برگشتن بیشتر آنان از دین خود علت ناراحتی شدید و گریان شدن من است.^۱

با رجوع به رهنمودهای گرانقدر امامان علیهم السلام بر ما روشن می شود که ایشان در این خصوص، به سه محور اصلی و اساسی اشاره کرده اند که بیشترین تأثیر را در حفظ و نگه داشت مؤمنان از خطرات زمان غیبت دارد. در میان این سه، یکی ریشه و مادر دو تای دیگر است که همان «معرفت امام عصر علیه السلام» است به طوری که همه خیرها و برکتها از آن ناشی و نتیجه می شود. اهمیت این «معرفت» چنان است که فرموده اند: کسی که با معرفت امامش بمیرد، از درک نکردن زمان ظهور ضرری نمی کند و کسی که با معرفت امامش بمیرد، مانند کسی است که به همراه حضرت قائم علیه السلام در خیمه ایشان [آماده دفاع و جانفشانی در رکاب حضرتش] بوده باشد.^۲

از این رو، می توان ادعا کرد که مهم ترین تکالیف مؤمنان در زمان غیبت، همین دو وظیفه است: انتظار و دعا.

۱. کمال الدین، باب ۳۳، ح ۵۱.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، کتاب الحجّة، باب أنه من عرف امامه...، ح ۵.

در مورد اهمّیت و وظیفهٔ اوّل (انتظار) می‌توان به فرمایش زین العابدین علیه السلام به ابو خالد کابلی اشاره کرد که فرمودند:
ای ابو خالد، همانا اهل زمان غیبت او (حضرت مهدی علیه السلام) که به امامتش اعتقاد دارند و در انتظار ظهورش هستند، از مردم همهٔ زمانها بهترند...^۱

و در مورد وظیفهٔ دوم، امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمودند:

قسم به خدا، او (امام زمان علیه السلام) غیبتی خواهد داشت که در آن، تنها کسانی از تباهی (در دین و ایمان) نجات می‌یابند که [اوّل] به لطف خداوند در اعتقاد به امامت او ثابت قدم بمانند و [ثانیاً] در آن زمان، به توفیق الهی، اهل دعا برای تعجیل فرج وی باشند.^۲

چنان‌که در احادیث ائمه علیهم السلام اشاره شده، انتظار فرج و دعا برای تعجیل فرج، هر کدام مصداق «فرج» برای شخص منتظر و دعاکننده دانسته شده‌اند. از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند:
کسی که این امر (امامت و ظهور آن) را بشناسد، به سبب انتظار کشیدن برای آن، برایش فرج حاصل می‌شود.^۳

در این سخن، با بیان ارتباط زیبایی که بین معرفت امام و انتظار فرج ایشان است، خود انتظار را منشأ فرج منتظر دانسته‌اند. نظیر همین تعبیر در مورد دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام نیز در فرمایشی از خود ایشان نقل شده است:

۱. کمال الدین، باب ۳۱، ح ۲.

۲. همان، باب ۳۸، ح ۱.

۳. اصول کافی، کتاب الحجّة، باب أنّه من عرف امامه...، ح ۳.

برای تعجیل فرج، زیاد دعا کنید که فرج شما در همین است.^۱
حال، کیست که نداند حجّت خدا حضرت صاحب الامر - عجل الله
تعالی فرجه الشریف - بزرگ‌ترین حق را برگردن ما دارند. همان عزیز
بزرگواری که واسطه فیض الهی‌اند و آنچه از الطاف و خیرات و برکات
به ما می‌رسد، از دست مبارک ایشان است.

پس اگر دعا برای پدر خویش را بر خود لازم می‌دانیم، فراموش
نکنیم که پدر مهربان همه مؤمنین عالم، حضرت ولی عصر علیه السلام است و
دعا برای آن «والد شفیق» لازم‌تر و ضروری‌تر است. وقتی دعا گوی
برادران دینی خویش هستیم، به یاد داشته باشیم که «برادر راستین» امام
زمان ما هستند؛ همان برادری که گویی نیمه دیگر برادرش است. پس،
از دعا برای چنین برادر عزیزی غفلت نکنیم.

اگر برای غریبان و مظلومان عالم، دست به دعا برمی‌داریم، بدانیم
که «غربت» به حق، در مورد آن وجود مقدّس صدق می‌کند و
بزرگ‌ترین مظلوم عالم، هم اوست. پس برای پایان غربت و
مظلومیتش، تضرّع کنیم.

و آن هنگام که برای گرفتاران اندوهگین دعا می‌کنیم، از یاد نبریم که
سینه آن امام بیش از همه، متحمّل بار غم و اندوه است؛ زیرا دوستان
و پیروان خویش را مبتلا به گناه و نافرمانی خدا می‌بیند. به راستی کدام
اندوهگینی رامی‌شناسید که گرفتاری‌اش، دوازده قرن به طول انجامیده
باشد!

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲، ح ۷، به نقل از احتجاج.

۳ - این کتاب

خدای را سپاس که توفیق یافتیم کتاب «مناجات منتظران» نوشته جناب آقای دکتر بنی‌هاشمی را در یک جلد خلاصه کنیم. البتّه فصل پنجم از جلد اوّل آن را به علّت تخصّصی بودن، خلاصه نکرده‌ایم. علاقه‌مندان برای مطالعه این فصل می‌توانند به اصل کتاب مراجعه فرمایند.

۴ - موضوعات فصل‌ها

مطالب فصل‌های ۱ تا ۴ مربوط به آداب کلی دعا کردن است و فصل‌های ۵ تا ۹ (معادل فصول ۱ تا ۵ جلد دوم مناجات منتظران) مربوط به دعا برای امام عصر علیه السلام می‌باشد.

۵ - تقدیر

از عزیزانی که به صورت خالصانه کوشیدند، تا این مجموعه آماده گردد، نهایت قدردانی را داریم و از خداوند می‌خواهیم که آنان را جزء دعا‌کنندگان خاصّ امام عصر ارواحنا فداه قرار دهد.

والسلام - بهار ۱۳۸۹

میلاّد حضرت صدیقه طاهره علیها السلام

طباطبایی حسینی

فصل ۱

جایگاه اعتقادی دعا

شناخت جایگاه اعتقادی دعا در قرآن و روایات، ابزاری است برای به دست آوردن شناخت کاملی از آن. یکی از بهترین معرّفهای جایگاه اعتقادی دعا کلام امام باقر علیه السلام است که می‌فرمایند: «دعا برترین عبادات است»^۱

معنای دقیق عبادت

برای روشن شدن مفهوم برترین عبادت، نخست باید معنای دقیق عبادت را بدانیم. عبادت به معنای غایت خاکساری و فروتنی و فرمانبرداری است و تنها در برابر کسی انجام می‌شود که فضل و احسان او نسبت به انسان، بی‌نهایت است. از این رو، عبادت تنها در برابر خدا جایز است. اعمالی چون نماز، روزه، حج و... همگی مصادیق عبادت‌اند. و اینها را تحت عنوان اعمال عبادی می‌شناسیم. روح همه اینها همان حقیقت عبادت است و فقط شکل و ظاهرشان با هم تفاوت دارند.

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب فضل الدعاء و الحثّ علیه، ح ۱.

دعا، برترین عبادت

دعا بالاترین مظهر خضوع و اظهار کوچکی در پیشگاه خداوند است. بنده در حال دعا کردن، ناداری خود را در برابر معبودش، بهتر از حالات دیگر وجدان می‌کند و آن‌گاه که خدای خود را می‌خواند، با همه وجود، احتیاج خود را به خالقش اظهار می‌دارد. با توجه به معنای عبادت، هر چه انسان کوچکی و فقر خود را در برابر خداوند، بیشتر وجدان کند، معنای عبادت - که همان اظهار خاکساری و فروتنی است - بیشتر و عمیق‌تر صدق می‌کند.

دعا و خواندن همراه با اظهار خضوع در مقابل دیگری عبادت محسوب نمی‌شود بلکه مهم نوع اعتقادی است که دعاکننده در مورد کسی که او را می‌خواند در دل دارد.

دعا محبوب‌ترین کار و ترک آن مبعوض‌ترین عمل

امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرمودند:

محبوب‌ترین اعمال نزد خدای - عز و جل - در زمین دعا است.^۱

و امام محمدباقر علیه السلام فرمودند:

هیچ کس نزد خدای عز و جل مبعوض‌تر نیست از آن که از

عبادت او استکبار ورزد و از او چیزی طلب نکند.^۲

و همان‌طور که گفته شد دعا از برترین عبادات است.

استکبار از دعا کردن، یک نوع انکار قلبی نسبت به همه کاره بودن

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب فضل الدعاء و الحث علیه، ح ۸.

۲. همان، ح ۲.

خدا در رفع نیازهای انسان است. و به همین جهت، نزد پروردگار، مبعوض‌ترین عمل به حساب می‌آید.

فضل الهی در گشودن باب دعا

اظهار خضوع و دعا کردن در برابر خدا و به تعبیری دیگر، «گدایی کردن» از خالق، هرگز برای انسان سرافکنندگی و خواری نیست؛ بلکه به عنایت خاص خداوند، به بنده این توفیق داده می‌شود و هر کس چنین عطایی یابد، به داشتن آن افتخار نماید. حقیقت این است که خداوند از روی فضل، به بندگان خود اجازه داده است که او را بخوانند و بدون وجود مانع، بارب خود سخن بگویند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای به فرزند خویش چنین فرمودند:

بدان همان کسی که گنجینه‌های آسمانها و زمین به دستش است، به تو اجازه‌ی دعا داده و برایت اجابت را تضمین کرده و دستور فرموده از او بخواهی تا به تو عطا فرماید... و میان تو و خودش، حاجب و مانعی قرار نداده است... پس با صدور اجازه‌ی سؤال به تو، کلیدهای گنجینه‌هایش را در دستت گذاشته است.^۱

دعا بهترین راه تقرّب به خدا

امام صادق علیه السلام فرمودند:

بر شما باد به اینکه اهل دعا باشید؛ زیرا از هیچ طریقی مانند آن، به خدا تقرّب پیدا نمی‌کنید.

بنابراین، کسی که اهل دعا شود، طبق فرمایش امام صادق علیه السلام به

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۱، به نقل از نهج البلاغه.

بالاترین درجات تقرّب نائل می‌شود. امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خود فرمودند:

کوچک بودن یک چیز مانع دعا و درخواست آن نشود؛ چون برآوردن نیازهای کوچک به دست همان کس است که نیازهای بزرگ را برآورده می‌کند.^۱

اگر کسی همان‌طور که در شفای بیماری سرطان، امیدش به خداوند است، در بیماری سرماخوردگی هم همان‌طور باشد و بداند این دو بیماری در قدرت شفا دهنده، تفاوتی با هم ندارند یا خداوندی که می‌تواند پول هنگفتی را در یک روز به ما برساند، همان خدایی است که هزینه‌ی غذای یک روز را تأمین می‌کند، اگر کسی همین اعتقاد را در خود تقویت کند، حال دعا کردن در او زیاد می‌گردد و اهل دعا می‌شود و به خداوند تقرّب پیدا می‌کند.

انگیزه دعا: محتاج بودن به خداوند

مهم‌ترین انگیزه برای دعا این است که بنده خود را محتاج خداوند ببیند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن وصیّت خود به جناب ابوذر فرمودند:

ای ابوذر، جبرئیل تمام گنجینه‌های دنیا را برای من آورد و به من گفت: ای محمد، این گنجینه‌های دنیاست و گرفتن آنها چیزی از بهره و منزلت تو نزد پروردگار نمی‌کاهد. من گفتم: ای دوست من، جبرئیل، مرا به اینها نیازی نیست؛ هر گاه سیر شوم، خدا را سپاس می‌گذارم و آن‌گاه که گرسنه شوم، از او درخواست و سؤال می‌کنم.^۲

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب فضل الدعاء...، ح ۶.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۴۶۳.

بنابراین، وجدان نیاز به خدای متعال، از بزرگ‌ترین الطاف اوست که نصیب برخی می‌فرماید. به طور کلی، طلب نیاز و به زبان آوردن آنها عبادت محسوب می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خدای متعال حاجت بنده‌اش را - آن‌گاه که او را می‌خواند - می‌داند، ولی دوست دارد که نیازها به درگاهش عرضه شود؛ پس هنگامی که دعا می‌کنی، نیازت را به زبان بیاور.^۱

روشن است که دوست داشتن خدا به جهت فایده‌ای که خدا می‌برد نیست. زیرا؛ او بی‌نیاز مطلق است. اما به زبان آوردن حاجات، نیاز انسان را به خداوند برای خود بنده و جدانی تر و ملموس‌تر می‌کند و این همان حقیقتی است که روح بندگی را می‌سازد و لذا بسیار ارزشمند و قیمتی است.

دعا، مغز عبادت

بنابر آیات قرآن، یکی از حکمت‌های گرفتار شدن انسان آشکار شدن عجز آدمی، برای اوست تا زمینه دعا و تضرع او شود.

و ما رسولانی را به سوی امت‌های پیش از تو فرستادیم. سپس آنها را به سختی و بیچارگی گرفتار کردیم؛ شاید به تضرع افتند. پس چرا آنها وقتی به سختی افتادند، تضرع نکردند؟ ولیکن دل‌هایشان سخت شد و شیطان کارهای [زشت] آنها را برایشان زیبا جلوه داد.^۲

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب تسمية الحاجة في الدعاء، ح ۱.

۲. انعام (۶): ۴۲-۴۳.

و چون هدف از خلقت، عبادت است و روح دعا، اظهار ناداری و طلب از خداوند است، لذا پیامبر فرموده‌اند:
مغز و حقیقت عبادت دعاست.^۱

تعمیم دعا به امور کوچک و بزرگ

پیامبر فرمودند:

هر نیازی که برایتان پیش می‌آید [رفع آن را] از خدای عز و جلّ درخواست کنید؛ حتی بند کفش را؛ چرا که اگر [خداوند] آن را فراهم نسازد، درست نمی‌شود.^۲

نیز در حدیثی قدسی آمده است که خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود:

ای موسی، همهٔ مایحتاج خود را از من طلب کن؛ حتی علف گوسفند و نمک غذایت را.^۳

در فرمایش حضرت باقر علیه السلام چنین آمده است:

هیچ یک از نیازهای کوچک خود را پیش پا افتاده مشمارید؛ زیرا محبوب‌ترین مؤمنان نزد خدای متعال، درخواست‌کننده‌ترین آنهاست.^۴

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰، ح ۳۷، به نقل از الدعوات راوندی.

۲. همان، ص ۲۹۵، ح ۲۳، به نقل از مکارم الاخلاق.

۳. همان، ص ۳۰۳، ح ۳۹، به نقل از عدّه الداعی.

۴. همان، ص ۳۴۶، ح ۹، به نقل از مکارم الاخلاق.

یکسان بودن حال بلا و عافیت در لزوم دعا

امام باقر علیه السلام می فرماید:

سزاوار است که دعای مؤمن در حال آسایش (عافیت) همچون دعای او در حال سختی (بلا) باشد.^۱

انسانها معمولاً در هنگام بلا به طور طبیعی، به خداوند پناه می‌برند و بار رفع نیاز، از او غافل می‌شوند. این همان تفاوت مؤمن و غیر مؤمن است.

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده‌اند:

فرد گرفتاری که سخت به بلا گرفتار شده، به دعا نیازمندتر نیست از کسی که در عافیت است، اما از گرفتاری در امان نیست.^۲

برتری دعا بر تلاوت قرآن

امام رضا علیه السلام می فرماید:

دعا کردن از قرآن خواندن با فضیلت‌تر است؛ چون خدای عز و جلّ می فرماید: [ای پیامبر، بگو:] اگر دعایتان نباشد، خداوند منم به شما توجهی نمی‌کند.^۳

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام می پرسد: در نماز، قرآن خواندن بهتر است یا دعا کردن؟ امام علیه السلام می فرماید:

دعا بهتر است. آیا فرمایش خدای متعال را نشنیده‌ای که فرمود: «و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. همانا کسانی که زیر بار بندگی من نمی‌روند، با خواری داخل جهنم

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۸۸.

۲. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۸۲، ح ۱۲، به نقل از نهج البلاغه.

۳. همان، ص ۲۹۲، ح ۱۸، به نقل از فقه الرضا علیه السلام.

خواهند شد.^۱ قسم به خدا، دعا عبادت است. قسم به خدا، دعا عبادت است. آیا دعا عبادت نیست؟ قسم به خدا دعا، عبادت است. قسم به خدا دعا عبادت است. آیا دعا سخت‌ترین عبادتها نیست؟ قسم به خدا، دعا سخت‌ترین عبادتهاست. قسم به خدا، دعا سخت‌ترین عبادتهاست. قسم به خدا، دعا سخت‌ترین عبادتهاست.^۲

الهام و اعطای دعا

گاهی خداوند از روی منت و لطف خود به قلب برخی بندگان، الهام می‌کند که دعا کنند. از این عنایت الهی در روایات با کلمه «الهام» یا «اعطاء» یاد شده است. امام کاظم علیه السلام در ضمن یکی از فرمایشاتشان چنین فرموده‌اند: ... پس خدای عزوجل دعا را به او الهام می‌فرماید^۳ و نیز امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: به کسی که دعا عطا شود...^۴ البته لازم به ذکر است که اعمال اختیاری ما انسانها در جذب یا دفع این الهام الهی می‌تواند مؤثر باشد.

ترک دعا، معصیت و گناه

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند:

دعا نکردن گناه است.^۵

۱. مؤمن / ۶۰.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۸، ج ۲۹ به نقل از فلاح السائل.

۳. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الهام الدعاء، ح ۲.

۴. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۳، ح ۲، به نقل از الخصال و معانی الاخبار.

۵. تنبیه الخواطر و نزهة التواظر، ج ۲، ص ۱۲۰.

البته فراموش کردن یک امر، اختیاری نیست؛ اما مقدمات و زمینه‌های آن اختیاری است. ممکن است انسان به سبب ارتکاب برخی گناهان، از این لطف خاص الهی محروم شود. یکی از همین گناهان ضعف و سستی در اعتقاد به توحید پروردگار متعال می‌باشد که آن هم به نوبه خود معلول کوتاهیهای دیگر انسان در انجام وظیفه بندگی اش است.

در هر حال، کوتاهی کردن انسان در دعا و درخواست از خدا یا عمدی و اختیاری است، یا از روی فراموشی و غیر اختیاری که این حالت دوم نیز به سبب کوتاهی کردن در انجام دادن مقدمات اختیاری آن است که نهایتاً به خود انسان بر می‌گردد.

لزوم فراگیر شدن دعا در همه شؤون زندگی

با رجوع به متون حدیثی، برای ما روشن می‌شود که ائمه در همه مناسبتها (زمانها و مکانها) دوستانشان را به دعا ترغیب می‌کرده‌اند. عناوین برخی از ابواب کتاب الدعاء در اصول کافی، این مطلب را نشان می‌دهد:

دعاهای صبح و شام (۳۸ حدیث)

دعاهای هنگام خوابیدن و بیدار شدن (۱۸ حدیث)

دعاهای پیش از نماز (۳ حدیث)

دعاهای بعد از نماز (۱۲ حدیث)

دعا برای طلب روزی (۱۳ حدیث)

دعا برای ادای قرض (۴ حدیث)

دعا برای رفع گرفتاری و ناراحتی و اندوه و ترس (۲۳ حدیث)

دعا برای رفع دردها و بیماریها (۱۹ حدیث)
دعا برای در امان ماندن از شرور (۱۴ حدیث)
دعا هنگام خواندن قرآن (۱ حدیث)
دعا برای حفظ کردن قرآن (۲ حدیث)
دعاهای مختصر برای برآورده شدن همه حوائج دنیوی و اخروی
(۳۵ حدیث)

منافات نداشتن دعا با کار و زندگی

برخی تصور می‌کنند اگر انسان بخواهد این چنین به دعا اهمیت دهد، وقت زیادی از عمر خود را باید صرف کند و از کار و شغل باز می‌ماند.

در پاسخ می‌گوییم: دعا مختص آدمهای بیکار نیست؛ بلکه اتفاقاً هر چه پر مشغله‌تر باشید، باید بیشتر دعا کنید؛ زیرا:

- ۱- معمولاً اوقات تلف شده و بطالت ما در زندگی بسیار زیاد است که باید آنها را به کارهای مفید، مانند دعا، اختصاص دهیم.
- ۲- دعا هیچ وقت جای کار را نمی‌گیرد؛ بلکه در راستای بهره‌وری بیشتر است. یعنی کار زیاد بدون فایده را به تلاش متعادل به همراه نتیجه مطلوب، تبدیل می‌کند. این همان است که «برکت» در عمر و سرمایه نامیده می‌شود.

- ۳- اگر انسان اهمیت چیزی را درک کند، در برنامه ریزی‌های زندگی به آن اولویت می‌دهد. در موضوع دعا نیز با رجوع به آیات و روایات چنین می‌یابیم که دعا، حتی بین مستحبات نیز، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پس با نظم بخشیدن به امور روزمره، ترتیبی

فصل ۱: جایگاه اعتقادی دعا * ۳۳

می‌دهیم تا از این شاهراه فیض الهی، محروم نشویم.

۴- مانند همه جا، در بحث دعا نیز کیفیت مهم‌تر از کمیت است. به تعبیر دیگر، توجه کردن به شرایط اجابت دعا به ما می‌فهماند که ملاک اهتمام در امر دعا، صرف وقت زیاد در انجام آن نیست.

فصل ۲

آثار و نتایج دعا

بهترین آثار و نتایج دعا

۱ - وسیله پیروزی و مایه دلگرمی (سلاح)

پیامبر ﷺ فرمودند:

دعا سلاح مومن است.^۱

دعای «سلاح» نامیده‌اند. سلاح وسیله‌ای است که در نبرد با دشمنان باعث دلگرمی انسان می‌شود و همچنین ابزاری است برای غلبه و پیروزی.

امام رضا علیه السلام به اصحاب خود فرمود:

همواره، سلاح پیامبران را به کار گیرید.^۲

پرسیدند: سلاح پیامبران چیست؟ فرمودند: دعا.

این تأکیدها نشان می‌دهد که افراد با انگیزه‌های عالی و خدایی اگر

اهل دعا نباشند، در میدان مبارزه با دشمنان، دست خالی خواهند ماند

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء باب أن الدعاء سلاح المؤمن، ح ۱.

۲. همان، ح ۵.

و توان مقابله را از دست می دهند.

بزرگ‌ترین دشمن اهل ایمان و انبیای الهی شیاطین اند. شیطان چنان قوی و قدرتمند است که انسان به تنهایی توانایی، رویارویی با کید و مکر او را ندارد. خداوند به پیامبر عظیم الشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور فرمود که از وساوس شیطان به خدا پناه ببرد:

و [ای پیامبر] بگو: خداوندا از وسوسه‌های شیاطین، به تو پناه می‌آورم.^۱

این دستور الهی به این معناست که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به تنهایی، حریف مبارزه با شیاطین نیست. وقتی وضعیّت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین باشد، حال دیگران روشن است.

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

زیاد دعا کن تا از تند و تیزی [حملات] شیطان در امان بمانی.^۲

باز فرمودند:

دعا سپر مؤمن است.^۳

سپر انسان را از شرّ حملات دشمن مصون و محفوظ می‌دارد و نقش دعا برای اهل ایمان چنین است.

امام هشتم عَلَيْهِ السَّلَام دعا را از نیزهٔ تیز، کاری‌تر دانسته و فرموده است:

دعا از سرنیزه‌ی تیز، کاری‌تر و نافذتر است.^۴

در هر حال، انسان مؤمن در زندگی‌اش با دشمنان زیادی روبرو است

۱. مؤمنون (۲۳): ۹۷.

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۹، ح ۶۴ به نقل از مطالب السؤل.

۳. کافی، کتاب الدعاء، باب انّ الدعاء و سلاح المؤمن، ح ۴.

۴. همان، ح ۷.

و برای اینکه گوهر ایمان خود را از شرّ دشمنان حفظ کند، باید در میدانهای نبرد، پیروز و سربلند شود. مقابله با این دشمنان جز با سلاح دعا ممکن نیست. البتّه در کنار دعا باید به سفارشهای دیگر اهل بیت علیهم السلام در این باره نیز عمل شود.

۲ - سرازیر شدن روزی (روزی مادی و معنوی)

دومین اثر و برکت دعا به پیشگاه خداوند، سرازیر شدن روزی به سوی انسان است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

آیا به شما سلاحی معرفی نکنم که شما را از شرّ دشمنانتان

نجات بخشد و روزیهای شما را سرازیر نماید؟

عرض کردند: بفرمایید. فرمودند:

پروردگارتان را شب و روز بخوانید.^۱

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که مفهوم «رزق»

تنها شامل پول و مال و خوراک و پوشاک و مسکن و نظایر اینها نمی‌شود، بلکه در برگیرنده ارزاق معنوی انسان هم است.

در این موضوع، اهل لغت چنین گفته‌اند:

روزیها دو نوع‌اند: ظاهری برای ابدان، مانند غذا، و باطنی برای

قلوب، مانند معارف و علوم.^۲

به این ترتیب، مفهوم «رزق» عام است و غیر از امور مادی، شامل

امور معنوی مانند: علم، ادب، حجّ، زیارت و ... نیز می‌شود.

۱. کافی، کتاب الدعاء، باب انّ الدعاء و سلاح المؤمن، ح ۳.

۲. مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۶۹، ماده رزق.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «و از آنچه روزی شان کرده ایم، انفاق می کنند»^۱ فرمودند:

از آنچه به آنها آموخته ایم، نشر می دهند و از آیات قرآن که به ایشان تعلیم داده ایم، تلاوت می کنند.^۲

در این حدیث به روشنی، رزق را شامل علم و قرآن هم دانسته اند. امام سجّاد علیه السلام فرمودند:

خدایا، مرا عقلی کامل و اراده ای نافذ و خردی برتر و دلی پاک و علمی فراوان و ادبی والا، روزی فرما.^۳

در اینجا هم روزی شامل عقل، دل پاک، علم فراوان و ادب نیکو و امثال این هاست.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوندا... روزی کن مرا محبت خود و محبت هر کس که تو را دوست دارد و محبت هرکاری که مرا به محبت تو نزدیک می سازد.^۴

به این ترتیب، محبت خدا و دوستدارانش و محبت همه اعمالی که محبوب خدایند از مصادیق روزی به شمار می آیند. پس وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: دعا باعث سرازیر شدن روزی به سوی شما می شود، باید تمام این مصادیق را در نظر گرفت و آن را منحصر در روزی مادی ندانست.

۱. بقره (۲): ۳.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۷، ح ۳۸، به نقل از معانی الأخبار.

۳. بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۳۲۵، ح ۱۴، به نقل از جنة الأمان.

۴. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۱۸۲، ح ۴۶، به نقل از مصباح المتهجد.

دعا به همراه تلاش برای تحصیل روزی

طلب روزی از خداوند به دو صورت است یکی دعا و دیگر تلاش. برای تحصیل رزق باید هر دو کار انجام شود و هیچ یک جای دیگری را نمی‌گیرد. مثلاً برای تحصیل علم و ادب هم باید از خدا خواست و هم باید به سراغ درس و بحث و زانوزدن در محضر عالمان رفت. یکی از آثار و خیرات دعا این است که خداوند در عمل، انسان را موفق به یافتن مسیری می‌نماید که راه رسیدن روزی اوست همچنین با عنایت الهی در مسیری قرار نمی‌گیرد که با وجود سعی و تلاش چیزی از آن راه نصیبش نمی‌گردد. راوی می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که یکی از شیعیان از فقر و تنگدستی خود به حضرت شکایت می‌نمود و اظهار می‌کرد برای طلب روزی به سرزمین‌های مختلفی رفته، اما تنها اثرش از دیاد فقرش بوده است. حضرت به او فرمودند:

پس از نماز عشاء این دعا را با تائی بخوان:

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي وَ إِنَّمَا أَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ
تُخَطِّرُ عَلَيَّ قَلْبِي فَأَجُولُ فِي طَلْبِهِ الْبُلْدَانَ فَأَنَا فِيهَا أَنَا طَالِبٌ
كَالْحَيْرَانِ لَا أَدْرِي أَمِي سَهْلٌ هُوَ أَمْ فِي جَبَلٍ أَمْ فِي أَرْضٍ أَمْ
فِي سَمَاءٍ أَمْ فِي بَرٍّ أَمْ فِي بَحْرٍ وَ عَلَيَّ يَدِي مَنْ وَ مِنْ قِبَلٍ مَنْ
وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَهُ عِنْدَكَ وَ أَسْبَابُهُ بِيَدِكَ وَ أَنْتَ تَقْسِمُهُ
بِلُطْفِكَ وَ تُسَيِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ يَا رَبِّ رِزْقَكَ لِي
وَاسِعاً وَ مَطْلَبَهُ سَهْلاً وَ مَأْخِذَهُ قَرِيباً وَ لَا تُعْشِي بِيَطْلَبٍ مَا

لَمْ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقًا فَإِنَّكَ غَنِيٌّ عَنِّي وَعَنْ عَذَابِي وَأَنَا فَقِيرٌ إِلَى
رَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجُدْ عَلَيَّ عَبْدِكَ
بِفَضْلِكَ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.

بارالها من به جایگاه روزی خودآگاهی ندارم و صرفاً مطابق
افکاری که به قلبم خطور می‌کند، به دنبال طلب آن در
سرزمین‌های مختلف هستم. بنابراین من همچون افراد سرگردان
به دنبال مطلوب خود هستم؛ نمی‌دانم (آنچه طلب می‌کنم) در
دشت است یا در کوه در زمین است یا در آسمان در خشکی است
یا در دریا و به دست چه کسی و از طرف کیست و در عین حال
به خوبی آگاهم که علم آن (روزی من) نزد تو و اسبابش به دست
توست و تو آن را به لطف خویش تقسیم می‌فرمایی و به سبب
رحمت خود زمینه‌هایش را فراهم می‌نمایی.

(حال که چنین است) پس بارالها بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل او درود
بفرست و روزی خود را برای من وسیع و راه طلب آن را آسان و
محل بدست آوردن آن را نزدیک قرارده و مرا در طلب کردن
آنچه روزیم را در آن مقدر نفرموده‌ای به رنج و زحمت نینداز،
همانا تو از عذاب کردن من بی‌نیازی و من به رحمت تو محتاجم.
پس بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان ایشان درود فرست و با فضل خود
بر بندهات ببخش، که تو صاحب فضلی عظیم هستی.^۱

آنچه در همه دعاها وجود دارد توجّه قلبی عمیق به خدای متعال به
عنوان مسبب الاسباب می‌باشد و همین توجّه می‌تواند مؤثر و کار ساز
باشد.

۱. بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۱۲۴، ح ۵، به نقل از فلاح السائل.

امام باقر علیه السلام در توضیح آیه شریفه: «وَأَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»^۱

و از فضل خداوند طلب کنید. فرمودند:

خدا دارای فضلی است که آن را بین طلوع فجر تا طلوع خورشید تقسیم می‌فرماید.

آن‌گاه اضافه فرمودند:

یاد کردن خداوند پس از طلوع فجر، از دوندگی در زمین برای طلب روزی مؤثرتر است.^۲

بنابراین دعا حتی بدون آنکه با طلب روزی از خدا باشد، در سرازیری رزق انسان مؤثر و کارساز است.

۳ - شفای همه دردها

یکی دیگر از آثار و نتایج دعا شفا بخش بودن آن نسبت به هر دردی است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

همواره دعا کن؛ زیرا آن درمان هر دردی است.^۳

البته با همان اعتقادی که انسان برای رسیدن روزی اش دعا می‌کند و همزمان دنبال اسباب و وسائط می‌رود، باید در کنار دعا برای شفا خواستن، در پی پیمودن راههای متعارف معالجه دردهایش هم باشد.

۴ - رسیدن به موفقیت و رستگاری

چهارمین اثر با برکت دعا چیزی است که از آن به کلید نجات و رستگاری تعبیر کرده‌اند. حضرت علی علیه السلام فرمودند:

۱. نساء، ۳۴

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۳. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب ان الدعاء و شفاء من کل داء، ح ۱.

دعا، کلیدهای نجات و گنجینه‌های رستگاری است.^۱

حاصل فرمایش امام این است که از طریق دعا می‌توان به کلیدهای موفقیت و گنجینه‌های رستگاری دست یافت. موفقیت و رستگاری برای یک مؤمن فقط در سایه رضایت و خشنودی خداوند است. اگر این کلید و این گنجینه در اختیار انسان نباشد، از رسیدن به موفقیت محروم و ناکام خواهد ماند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

بسیار دعا کن که آن کلید هر رحمت و سبب برآورده شدن هر حاجتی است.^۲

طبق این فرمایش گرانقدر، کلید هر رحمتی، دعا به درگاه خداوند است؛ یعنی اگر کسی خواهان رحمت الهی در هر زمینه‌ای باشد می‌تواند از طریق دعا باب آن رحمت را بر خود بگشاید. بنابراین، تحصیل سعادت دنیا و آخرت از راه دعا میسر است؛ البته به شرط اینکه انسان از سعی و تلاش متعارف هم کوتاهی نکند.

۵ - رفع بلاهای نازل شده

یکی دیگر از آثار و نتایج دعا رفع بلاها و مصیبت‌هاست. بیشتر بلاها در واقع، سلب نعمتهایی است که مدتی در اختیار انسان بوده است؛ مثل بیماری که سلب نعمت سلامتی است و ...

یکی از علتهای اساسی از دست دادن هر نعمت، ناشکری نسبت به آن، با ارتکاب گناه است؛ چون هر گناهی، در واقع، مصداق ناشکری

۱. اصول کافی، باب ان الدعاء سلاح المؤمن، ح ۲.

۲. اصول کافی، باب الدعاء یرد البلاء و القضاء، ح ۷.

نعمتهای الهی است.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

هیچ نعمتی و هیچ خوشی و خرمی در زندگی زائل نمی‌شود، مگر به سبب گناهایی که [انسانها] مرتکب می‌شوند. خداوند هرگز به بندگان ظلم نمی‌کند.^۱

وقتی خداوند بعضی از نعمتهای خود را از کسی می‌گیرد، در حقیقت، مصیبت و بلا را بر او نازل می‌کند. این کار از روی عدل الهی است و در اعمال زشت انسان، ریشه دارد. امام علیه السلام در ادامه، فرموده‌اند:

و اگر ایشان (گناهکاران) در هنگام فرود آمدن بلاها و از دست رفتن نعمتها، با صدق نیت به خدا پناه می‌آوردند و به او استغاثه می‌کردند و سستی به خرج نمی‌دادند و در انجام گناه زیاده‌روی نمی‌نمودند، خداوند هر فساد و تباهی را برای ایشان اصلاح می‌فرمود و هر امر شایسته را به آنان باز می‌گرداند.^۲

فرمایش مولا این است که اگر انسانهای گناهکار در وقت فرود آمدن بلا به درگاه خدا روی می‌آوردند و از او کمک می‌خواستند، گرفتاریهایشان رفع می‌شد و نعمتهای از دست رفته به ایشان باز گردانده می‌شد. پس تداوم بلاها و مصیبتها به سبب کوتاهی کردن خود مردم در روی آوردن به دعا است.

باز حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند:

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۸۹، ح ۵، به نقل از الخصال.

۲. همان.

همانا خدای سبحان، قهرها و عقوبتها دارد. پس هنگام فرود آمدن آنها بر شما، به وسیلهٔ دعا آنها را دفع کنید؛ چرا که بلا را چیزی جز دعا رفع نمی‌نماید.^۱

هشام بن سالم می‌گوید:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

آیا می‌دانید مدت زمان چه بلائی کوتاه و چه بلائی بلند است؟

عرض کردیم: خیر. فرمودند:

هرگاه در هنگام بلا به کسی از شما الهام شد که دعا کند، بدانید که زمان آن بلا کوتاه است.^۲

فرمایش امام روشن می‌کند که الهام شدن دعا به انسان در هنگام نزول بلا، نشان دهنده‌ی این است که مدت آن بلا طولانی نیست. در حقیقت، خداوند با الهام دعا می‌خواهد بلاى نازل شده را از گرفتاران رفع کند. این بیان به خوبی تأثیر قطعی دعا را در رفع بلا می‌رساند. بنابراین، هم دعا کردن نشانهٔ زودگذر بودن بلا و گرفتاری است و هم دعا نکردن علامت طولانی بودن آن بلاست.

۶ - دفع بلاى مقدر

یکی دیگر از مهم‌ترین آثار دعا، دفع بلاى مقدر است که هنوز واقع نشده است. دفع در اینجا به معنای جلوگیری کردن از فرو باریدن بلا و ایجاد مانع در راه نزول آن است.

از طریق دعا می‌توان جلوی نزول بلا یا را گرفت. دعا بلاى تقدیر

۱. غرر الحکم و در الکلم، ج ۲، ح ۳۵۱۲.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب ان الدعاء یرد البلاء و القضاء، ح ۵.

شده را دفع می‌کند؛ هر چند که به مرحله قضا هم رسیده باشد. تا وقتی بلا واقع نشده است، امکان دفع آن به وسیله دعا وجود دارد. امام هفتم علیه السلام فرمودند:

همواره دعا کنید؛ زیرا دعا و خواستن از خدا بلا را برمی‌گرداند، در حالی که مقدر شده و متعلق قضا هم واقع شده و فقط امضای (دستور) آن باقی مانده است.^۱

پس تا وقتی امضاء نشده است، می‌توان به وسیله دعا آن را دفع کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

برای [مقابله و جلوگیری از] بلاء دعا را آماده کنید؛ زیرا قضا را چیزی جز دعا بر نمی‌گرداند.^۲

بنابراین دعا می‌تواند مانع نزول بلا گردد.

زراره از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده است:

آیا تو را راهنمایی نکنم به چیزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد آن استثنایی قائل نشده‌اند؟

زراره عرض می‌کند: بفرمایید. آن حضرت فرمودند:

دعا قضا را بر می‌گرداند؛ در حالی که محکم و سخت شده باشد (و انگشتان خویش را به هم چسبانند).^۳

به هم چسباندن انگشتان برای نشان دادن ابرام و احکام در قضای الهی است. دعا می‌تواند چنین حکم مبرمی را برگرداند و در حقیقت، مانع وقوع خارجی آن شود.

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب ان الدعاء یرد البلاء و القضاء، ح ۸.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰، ح ۳۷ به نقل از الدعوات راوندی.

۳. اصول کافی، کتاب الدعاء یرد البلاء و القضاء، ح ۶.

۷ - دفع بلای غیر مقدر

گاهی بلایی هنوز به مرحله تقدیر الهی نرسیده است و با دعا می‌توان جلوی آن را گرفت. امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:
همانا دعا بلای مقدر و غیر مقدر را بر می‌گرداند.

راوی می‌گوید: مقدر را فهمیدم؛ اما غیر مقدر را چگونه بر می‌گرداند؟
فرمودند:

تا اینکه تقدیر نشود.^۱

گاهی انسان به سبب گناه یا امتحان، یا به هر جهت دیگری، مستحق نزول بلا و مصیبتی شده، مشیت و اراده خدا به مقتضای عدلش، به فروفرستادن بلایی بر او تعلق گرفته؛ اما هنوز نسبت به زمان و مکان و نوع و شدت آن تقدیری نفرموده است. یکی از آثار دعا این است که مانع از تقدیر بلا از طرف خداوند می‌گردد. به این ترتیب، مراحل بعدی قضا به طریق اولی و امضا نیز منتفی شده و بلا به کلی دفع می‌گردد.

بنابراین، می‌توان گفت دعا می‌تواند بلا و گرفتاری را در هر مرحله که باشد، دفع نماید. مطابق احادیث ائمه علیهم السلام هر چیزی در آسمان یا زمین رخ می‌دهد، ابتدا، متعلق «مشیت» و «اراده» خداوند واقع می‌شود و سپس مرحله «تقدیر» و «قضا» نسبت به وقوع آن صورت می‌پذیرد. لذا هر بلایی که نازل می‌شود، مسبوق به این مراحل است. دعا می‌تواند در هر مرحله‌ای، مانع تحقق مرحله بعد گردد. اگر خواست (مشیت و اراده) خداوند به نزول بلا تعلق گرفته باشد، دعا می‌تواند مانع

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء یرد البلاء و القضاء، ح ۲.

تقدیر آن گردد و اگر به مرحله تقدیر رسیده باشد، دعا می تواند مانع قضای آن بشود و اگر قضای آن هم صورت گرفته باشد، دعا می تواند جلوی امضاء (وقوع) آن را بگیرد.

امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند:

امواج بلا را به وسیله دعا پیش از فرو آمدن آن، از خود دور کنید. قسم به آن کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، هر آینه، سرعت فرود آمدن بلا بر مؤمن از سرا زیر شدن سیل از بالای بلندی به پایین آن بیشتر است.^۱

و باز فرمودند:

هیچ نعمتی و هیچ خوشی و خرمی در زندگی زائل نمی شود، مگر به سبب گناهی که [انسان ها] مرتکب می شوند.

اما ایشان بلافاصله، اضافه فرمودند:

و اگر آنان قبل از نزول بلاء دعا و انابه می کردند، این بلاها برایشان نازل نمی شد.^۲

گناه: منشأ بلا و مصیبت

در سوره شوری / ۳۰ خداوند می فرماید:

و هر مصیبتی که به شما می رسد به سبب اعمال خودتان است و (در عین حال خدا) از بسیاری (گناهان) در می گذرد. طبق این آیه هر مصیبتی که به مومنان می رسد به خاطر گناهی است که خود مرتکب شده اند و خداوند با فرستادن بلا آنان را از گناه پاک می کند تا هنگام مرگ یا در عالم برزخ و آخرت مورد عذاب واقع نشوند. عبارت آخر

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۸۹، ح ۵، به نقل از الخصال.

۲. همان.

آیه بشارتی بزرگ برای اهل ایمان است که خداوند از بسیاری از گناهان می‌گذرد. ناگفته نماند که آیه‌ی شریفه مورد بحث شامل حال ائمه معصومین علیهم‌السلام که از ارتکاب هر گناهی مبرا هستند، نمی‌شود. وقتی حضرت زین العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام بر یزید - لعنه الله - وارد شدند، آن ملعون خطاب به امام سجاد علیه‌السلام همین آیه را به زبان جاری کرد، کنایه از اینکه مصیبت‌های وارد بر شما به خاطر گناهان خودتان بوده است (!) حضرت در پاسخ به او فرمودند:
هرگز، این آیه در مورد ما نازل نشده است.^۱

طلب مغفرت و عافیت

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

بهترین دعا استغفار است.

خود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم با اینکه هیچ گناهی مرتکب نمی‌شدند در شبانه روز هفتاد بار طلب مغفرت می‌کردند. طلب مغفرت از خدا سپر بلاهایی است که به خاطر گناهان مستحق فرود آمدن آنها هستیم. البته یکی از لوازم استغفار این است که در عمل، قصد تکرار گناه را نداشته باشیم و گرنه مشمول این فرمایش امام رضا علیه‌السلام واقع می‌شویم که فرمودند:

کسی که از گناهی استغفار کند ولی در عمل آن را کنار نگذارد، مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است.^۲

علاوه بر استغفار، دعاهایی نیز در طلب عافیت وارد شده است

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۸، ح ۹۵.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاستغفار، ح ۳.

فصل ۲: آثار و نتایج دعا * ۵۱

مانند دعای ۲۳ صحیفه سجادیه و یا دعای مخصوص زیارت امام حسین علیه السلام که در مفاتیح آمده است.

با این دعاها انسان مومن از خدا می خواهد که همه زندگی او را قرین عافیت قرار دهد نه تنها در دنیا بلکه در آخرت هم بلا و مصیبت نبیند.

فصل ۳

معنای اجابت دعا

آنچه از خود دعا مهم‌تر است، اجابت آن به دست خدای متعال است.

معنای عامّ اجابت

دعا به معنای خواندن خداوند است که معمولاً همراه با سؤال و درخواست از درگاه اوست. پاسخی که خداوند به دعای دعاکننده می‌دهد، «اجابت» آن نامیده می‌شود. اما آیا هر دعایی اجابت می‌شود؟ به سخن دیگر آیا خداوند به هر دعایی پاسخ می‌دهد؟

از بعضی احادیث ائمه علیهم‌السلام چنین برداشت می‌شود که هر دعایی اجابتی دارد. این معنا از امام صادق علیه‌السلام به دو تعبیر نقل شده است:

به هرکس دعا داده شود، اجابت هم داده می‌شود.^۱ و به هرکس دعا داده شود، از اجابت محروم نمی‌گردد.^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۶۲، ح ۱، به نقل از الخصال.

۲. همان، ص ۳۶۳، ح ۲، به نقل از معانی الأخبار.

هر دو بیان عام است و ظاهر آنها شامل هر دعایی از هر کس می‌شود. اگر همین معنای عام مقصود امام علیه السلام باشد، باید بگوییم: آری، هر دعایی اجابتی دارد؛ به این معنا که هر دعایی از جانب خداوند، پاسخ داده می‌شود. اما البته پاسخها با هم متفاوت و گاهی متضادند. لئیک گفتن خدا به بنده در این فرض، در واقع، ترتیب اثر مثبت دادن به خواسته اوست. این گونه اجابت را «اجابت مثبت» می‌نامیم. اما گاهی عکس این حالت است؛ یعنی خداوند پاسخ می‌دهد، اما پاسخی که به ضرر دعاکننده است. در واقع، به دعای شخص ترتیب اثر منفی می‌دهد.

ائمه اطهار علیهم السلام نقل کرده‌اند که خدای متعال پیامبر بزرگ خود عیسی علیه السلام را چنین موعظه فرمود:

ای عیسی، به ستمکاران بنی اسرائیل بگو: در حالی که زیر پاهایتان مال حرام و داخل خانه‌هایتان بتها هستند، مرا نخوانید؛ چون من قسم یاد کرده‌ام که: به هر که مرا بخواند، پاسخ دهم و پاسخ من به آنها نفرین آنهاست؛ تا وقتی که از گرد یکدیگر پراکنده شوند.^۱

«لعن» در زبان عربی به معنای «دور و طرد کردن از خیر» است.^۲ لذا طبق حدیث فوق، این هم نوعی ترتیب اثر دادن به دعاهاست که می‌توانیم آن را «اجابت منفی» بنامیم.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۷۳، ح ۱۶، به نقل از عده الداعی.

۲. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۰۸.

انواع اجابت مثبت

لبیک گفتن خداوند به دعای بنده و پاسخ دادن به درخواست او می تواند به یکی از این پنج صورت باشد:

۱ - برآوردن حاجت در دنیا

اولین پاسخ مثبت خداوند به دعای بنده این است که خواسته اش را در دنیا برآورده سازد. وعده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این مورد چنین است: هر مسلمانی که دعا بکند و گناهی یا قطع رابطه با خویشان نزدیک نسبی در آن نباشد، خداوند در پاسخ دعای او یکی از سه چیز را عطایش فرماید: یا زود خواسته اش را برآورده کند، یا آن را ذخیره آخرتش قرار دهد یا...^۱ و^۲

۲ - عطای بهتر

دومین پاسخ مثبت خدای متعال به دعای بنده مؤمن خود ممکن است به این صورت باشد که چیزی بهتر از آنچه او درخواست کرده، عطایش کند. این عطای بهتر ممکن است زود یا دیر (حتی در آخرت) نصیبش گردد. این مطلب در وصیته که امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند گرامی خود فرموده اند، به این تعبیر آمده است:

چه بسا چیزی را درخواست کنی، اما به تو داده نشود و بهتر از آن را زود یا دیر (هرچند در آخرت) عطایت کنند.^۳

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۶۶، ح ۱۶، به نقل از الدعوات راوندی.

۲. معنای دیگر تعجیل در اجابت، زود برآوردن حاجت در مقابل تأخیر اجابت در دنیا است که در ادامه مباحث به بیان آن خواهیم پرداخت.

۳. نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۳۱، ص ۳۹۹.

این تذکار امیرالمؤمنین علیه السلام انسان را هشیار می‌کند که فقط به آنچه خود طلبیده فکر نکند؛ چرا که گاه، خداوند عطای بهتری به او داده یا خواهد داد که اگر متوجه باشد، ممنون او خواهد شد. مثلاً ممکن است انسان روی یک حاجت دنیوی و مادی اصرار کند، اما خدای مهربان به جای آن یک خیر اخروی و معنوی را به او عنایت فرماید. در این صورت، باید سپاسگزار این لطف الهی باشد.

۳- رفع بلا یا دفع شر

سومین پاسخ مثبت خداوند به دعای بندهٔ مسلمان این است که بلا و شری را از او باز دارد. این مطلب در ادامهٔ حدیثی که قسمتی از آن را در عنوان اوّل (برآوردن حاجت در دنیا) نقل کردیم، آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سومین عطای خداوند را جلوگیری از گرفتار شدن بنده‌اش به شر دانسته و فرموده‌اند:

و یا اینکه امر ناپسندی را نظیر آنچه خواسته است، از او باز دارد.^۱

به عنوان مثال، مؤمنی از خدا درخواست مقداری مال می‌کند. خداوند در پاسخ، ممکن است آنچه او خواسته را عطايش نکند، اما به سبب دعایش از یک ضرر مالی - که براساس مقدرات الهی قرار بوده به او برسد - جلوگیری نماید.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۶۶، ح ۱۶، به نقل از الدعوات راوندی.

۴ - کفارة گناهان

یکی دیگر از پاسخهای مثبت خداوند به دعای بنده مؤمن این است که آن دعا را کفارة گناهان قرار دهد و به جای برآوردن خواسته او، از آلودگی همه گناهان یا برخی از آنها پاکش کند. این مطلب در یکی از سخنان رسول گرامی اسلام ﷺ به این صورت نقل شده است. هر مسلمانی که خداوند را بخواند، خدا پاسخ او را می‌دهد، یا خواسته وی را به زودی در دنیا برآورده می‌سازد، یا برای آخرت ذخیره می‌کند یا کفارة گناهان دعا کننده قرار می‌دهد.^۱

آمزش گناهان از بزرگ‌ترین نعمتهای الهی است که هیچ نعمت مادی با آن برابری نمی‌کند. گناه انسان را از اغلب خیرات و برکات مادی و معنوی، محروم می‌کند. بنابراین، لطف بزرگی است که خداوند پاسخ دعای انسان را از آمزش گناهانش قرار دهد.

۵ - ذخیره آخرت

آخرین صورت پاسخ مثبت خداوند به دعای بنده این است که آن را ذخیره آخرت او قرار دهد. خداوند پس از آنکه به دعای بنده گرفتارش لبیک می‌گوید، به او می‌فرماید:

اگر آنچه را خواسته‌ای، زود (در دنیا) برآورده سازم، قطعاً بر این کار توانا هستم، ولی اگر برای تو (در آخرت) ذخیره سازم، آنچه برایت ذخیره می‌کنم، برایت بهتر است.^۲

بنده با ایمان خدا خوب می‌داند که نعمتهای اخروی قابل مقایسه با

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۷۸، ح ۲۲، به نقل از جامع الأخبار.

۲. اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب شدة ابتلاء المؤمن، ح ۷.

نعمتهای دنیا نیستند و از همین رو، اگر پاسخ دعایش در آخرت داده شود، قطعاً برای او بهتر از این است که در دنیا خواسته‌اش برآورده گردد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

همانا پروردگار به حساب مؤمن رسیدگی می‌فرماید. پس به او خطاب می‌کند: آیا این حساب برایت روشن است؟ می‌گوید: خیر، ای پروردگار من. پس خداوند می‌فرماید: در فلان شب، به خاطر [به دست آوردن] فلان چیز مرا خواندی، و من آن را برایت ذخیره ساختم. امام علیه السلام فرمودند: بنده وقتی بزرگی و عظمت پاداش خداوند را می‌بیند، می‌گوید: خداوندا، ای کاش هیچ‌چیز را برایم در دنیا برآورده نمی‌ساختی و برایم ذخیره می‌کردی!

به این ترتیب، روشن می‌شود که در میان همه انواع اجابت دعای مؤمن همین پاسخ پنجم برایش ارزشمندتر و شیرین‌تر است؛ اما به شرطی که از آن باخبر باشد و تصوّر نکند که دعایش در پیشگاه الهی گم شده است. بسیاری از اهل ایمان هستند که به سبب جهل و نادانی خود از انواع اجابت دعا، وقتی به حاجت خود نمی‌رسند، به خدای مهربان خود بدگمان می‌شوند و وعده‌هایی نظیر «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۲ را به دیده تردید می‌نگرند. اینها به انواع استجابت دعا - به خصوص ذخیره شدن آن در آخرت - آگاهی ندارند و فقط حاجت دنیوی خود را می‌بینند و چون زود به خواسته خود نمی‌رسند، نسبت به صحت وعده

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۷۱، ح ۱۲، به نقل از التمهیص.

۲. مؤمن (۴۰): ۶۰.

اجابت دعا توسط پروردگار، به شک می‌افتند. اهل ایمان باید همه انواع اجابت دعا را بشناسند و اجابت اخروی را از برآورده شدن حاجات دنیوی، مهم‌تر بدانند.

اجابت نکردن مثبت دعا

نکته مهمی که در مورد اجابت دعا باید در نظر داشت، این است که گاهی انسان خواسته‌ای را به پیشگاه خداوند عرضه و روی آن پافشاری هم می‌کند، اما خدای حکیم به سبب مصلحت خود فرد، خواسته‌اش را برآورده نمی‌سازد. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای که برای فرزند گرامی خویش مرقوم فرموده‌اند، پس از اشاره به اینکه گاهی خواسته انسان برآورده نمی‌شود، ولی عطای بهتری به او می‌دهند، فرض دیگر را چنین مطرح می‌فرمایند:

یا خواسته‌ات از تو بازداشته می‌شود؛ به خاطر آنچه خیر تو در آن است. چه بسیارند اموری که تو آنها را طلب می‌کنی، اما اگر به تو بدهند، تباهی دین تو در آن است. (حال که چنین است) چیزی را [از خدا] بخواه که زیبایی‌اش برایت بماند و ضرر و زیانی برای تو نداشته باشد. اما مال (دنیا) برایت باقی نمی‌ماند و تو نیز برای آن باقی نخواهی ماند.^۱

تعجیل منفی در اجابت دعا

مردم از اسرار پشت پرده خبر ندارند؛ به همین جهت، تصور می‌کنند که هر کس حاجت‌هایش زود برآورده می‌شود، محبوب خداوند

۱. نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۳۱، ص ۳۹۹ و ۴۰۰.

است. این تصوّر یک گمان باطل است و ملاک محبوبیت نزد خدا این امر نیست.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

همانا بنده دشمن خدا، خدای عز و جل را در مورد پیشامدی که برایش رخ داده است، می خواند؛ پس به فرشته موکل بر آن کار خطاب می شود: حاجت بنده مرا برآور و در این امر تعجیل کن؛ زیرا من از شنیدن فریاد و صدای او کراهت دارم.

در این حال مردم [چون از سر کار خبر ندارند] می گویند: حاجت او برآورده نشده است جز به دلیل گرامی بودنش [نزد خداوند]!^۱

انواع تأخیر در اجابت

در هر حال، تأخیر در اجابت دعا به دو صورت ممکن است: یا این تأخیر در دنیا است یا زمانش به آخرت کشیده می شود. فرض دوم همان است که در بحث انواع اجابت گفته شد که گاهی خداوند دعای شخص را ذخیره آخرتش می گرداند و در حقیقت، به جای آنکه در دنیا حاجت او را برآورد، ثواب و پاداش آن را در آخرت عطایش می فرماید که این کار برای بنده، خوشحال کننده تر از این است که در دنیا به خواسته اش برسد. در بسیاری از احادیث، مقصود از به تأخیر انداختن اجابت دعا، همین معناست که اثر آن رانه در دنیا بلکه در آخرت دریافت نماید. نمونه هایی از این احادیث را در بحث گذشته نقل کردیم.^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۷۱، ح ۹.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من أیطات علیه الاجابة، ح ۷.

نمونه‌هایی از تأخیر اجابت در دنیا

اسحاق بن عمّار از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: آیا امکان دارد دعای شخص مستجاب گردد، اما برآورده شدن حاجتش به تأخیر افتد؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: بله، بیست سال.^۱ و در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: از زمانی که خدای عزّ و جلّ فرمود: «دعای شما دو نفر (موسی و هارون) مستجاب شد.»^۲ تا نابودی فرعون، چهل سال فاصله بود.^۳ مورد دیگر در استجابت دعای حضرت نوح علیه السلام است. ایشان پس از ۹۰۰ سال تحمل رنج، دست به دعا برداشت و فرج شیعیانش را درخواست کرد. جبرئیل نازل شد و فرمود: همانا خدای متعال دعایت را مستجاب فرمود. امام صادق علیه السلام در همین موضوع فرمودند: فاصله‌ی میان اجابت دعا [ای نوح] و وقوع طوفان، پنجاه سال بود.^۴

نهی از استعجال در اجابت دعا

با توجه به اینکه تأخیر در اجابت دعا معلول حکمت‌هایی در افعال خداست، انسان مؤمن باید خود را از آفت «استعجال» در امر اجابت دعا به دور نگه دارد. یکی از حربه‌های شیطان برای اینکه بنده خدا را از درگاه او براند، این است که وقتی پس از مدّتی دعایش مستجاب نشد، او

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من أیطات علیه الإجابة، ح ۴.

۲. یونس (۱۰): ۸۹.

۳. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من ابطات علیه الإجابة، ح ۵.

۴. کمال الدین، باب ۲، ح ۲.

را از اجابت دعایش ناامید می‌کند، این همان «استعجال» مذمومی است که در احادیث از آن نهی شده است. از مولا جعفر بن محمد علیه السلام نقل است که می‌فرمودند:

مؤمن تا آن‌گاه که به استعجال مبتلا نشود و در نتیجه، ناامید گردد و دست از دعا بکشد، از سوی خدا، همواره در خیر و آسایش و رحمت خواهد بود.

راوی خدمت آن حضرت عرض می‌کند: استعجال چگونه است؟
امام علیه السلام فرمودند:

بگویند: از فلان زمان دعا کرده‌ام و اجابتی ندیده‌ام.^۱

این حدیث درباره فرد مؤمن است که اگر دست از دعا بردارد و از اجابت آن ناامید نشود، همیشه در خیر و خوبی است و هر وضعیتی پیدا کند، زیر چتر رحمت الهی خواهد بود. مؤمن باید یقین داشته باشد که از وقتی دست به دعا بلند می‌کند، خداوند کار اجابت دعای او را به جریان می‌اندازد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

همانا هر گاه بنده‌ای دعا کند، خدای متعال - تا وقتی او به استعجال نیفتاده - در کار اجابت خواسته اوست.^۲

باز بودن باب اجابت دعا

یکی از نتایج و لوازم این دیدگاه آن است که انسان مؤمن همیشه باب اجابت خداوند را به روی خود و دعایش باز می‌بیند. این مقتضای وعده‌ای است که پیشوایان معصوم ما بیان کرده‌اند.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۷۴، ح ۱۶، به نقل از عده الداعی.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الالاحاح فی الدعاء و التلبث، ح ۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

چنین نیست که خداوند... باب دعا را بر بنده‌ای بگشاید، اما باب اجابت را بر او نبندد.^۱

مخفی بودن اجابت در دعاها

موضوع دیگری که در امر اجابت دعا باید مورد توجه باشد، این واقعیت است که خداوند حکیم اجابتش را در میان دعاها مخفی کرده است. هیچ کس به طور قطع، نمی‌داند کدام دعایش در چه وقت، به اجابت می‌رسد. این امر موجب می‌شود که انسان هیچ دعایی را ناچیز نشمرد و به همه دعا‌های خود یا دیگران امید اجابت داشته باشد. حضرت باقر العلوم علیه السلام از پدران خویش، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرموده‌اند:

همانا خدای متعال... اجابت خود را در دعایی که به درگاه او می‌شود، مخفی کرده است. پس هیچ یک از دعا‌هایی را که به سوی او می‌شود، کوچک نشمار؛ چه بسا همان دعا - بدون آنکه بدانی - مورد اجابت واقع شود.^۲

شرایط اجابت دعا

خداوند متعال - که به بندگانش وعده اجابت دعا را داده - شروطی را قرار داده است که بعضی به شخص دعا کننده و برخی به خود دعا بر می‌گردد.

۱. نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت ۴۳۵، ص ۵۵۳.

۲. معانی الاخبار، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

شرایط دعا کننده

۱ - معرفت خداوند

گروهی به حضرت صادق علیه السلام عرض کردند ما دعا می‌کنیم، اما مستجاب نمی‌شود. ایشان فرمودند:

چون شما کسی را می‌خوانید که معرفتی نسبت به او ندارید.^۱

معرفت صحیح نسبت به خدا مثال‌های زیاد دارد. مثلاً بنده باید خداوند را مالک نفع و ضرر بداند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: هر کس از من درخواستی کند و من را مالک و صاحب اختیار نفع و ضرر بداند، من خواسته‌اش را اجابت می‌کنم.^۲

نکته دیگر اینکه معرفت صحیح خداوند فقط به خود خداوند متعال محدود نمی‌شود؛ یعنی لازمه توحید، شناخت پیامبر و امام است. به عنوان مثال، ابو حمزه از امام باقر علیه السلام پرسید:

معرفت خدا چیست؟

امام پاسخ دادند:

باور داشتن خدای عزّ و جلّ و باور داشتن پیامبرش و دوستی و همراهی با علی و پذیرفتن امامت او و ائمه هدی و بیزارى جستن از دشمنانشان به سوی خدا. این است معرفت خدای عزّ و جلّ.^۳

۱. التوحید، شیخ صدوق، ص ۲۸۹، باب ۴۱، ح ۷.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۵، ح ۱ به نقل از عدّة الدّاعی.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۹۳، کتاب الحجّة، باب معرفة الامام و الرّد الیه، ح ۱.

۲ - تقوا - وفا به عهد الهی

از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند: چرا دعا می‌کنیم، اما اجابت نمی‌شود؟ فرمودند:

برای اینکه دل‌های شما هشت نوع خیانت کرده است.

سپس این هشت خیانت را یک‌یک، شرح دادند:

۱ - اول اینکه شما به خدا معرفت پیدا کردید، اما حق او را مطابق آنچه بر شما واجب فرموده، ادا نکردید. به همین دلیل، معرفت شما [به خداوند] سودی به حال شما نداشته است.

۲ - دوم اینکه شما به رسول او ایمان آوردید، اما با سنت او مخالفت کردید و شریعت او را میرانید. پس نتیجه ایمان شما [به رسول خدا] کجاست؟

۳ - سوم اینکه شما کتاب او را که بر شما نازل شده، قرائت کردید، اما به آن عمل نکردید و گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم. سپس مخالفت کردید.

۴ - چهارم اینکه شما ادعا کردید که از آتش [غضب الهی] می‌ترسید، اما در هر زمان، با ارتکاب گناهانتان به سوی آن آتش قدم بر می‌دارید. پس ترس شما [از آتش غضب الهی] کجاست؟

۵ - پنجم اینکه شما گفتید که به بهشت شوق و رغبت دارید؛ در حالی که همواره مرتکب کارهایی می‌شوید که شما را از آن دور می‌کند. پس شوق و رغبت شما [به بهشت] کجاست؟

۶ - ششم اینکه شما نعمت مولی (خداوند) را خوردید، ولی شکر آن را به جا نیاورید. شکر نعمت، قلبی، زبانی و عملی است و کوتاهی در شکر، خیانت در آنها محسوب می‌شود.

۷ - هفتم اینکه خداوند به شما دستور داد تا با شیطان دشمنی کنید و گفت: همانا شیطان دشمن شماست؛ پس او را دشمن

بگیرید. اما شما در حرف و سخن، با او دشمنی کردید و به سبب مخالفت با امر الهی با او دوستی نمودید.

۸ - هشتم اینکه شما عیبهای مردم را جلوی چشمانتان و عیبهای خود را پشت سرتان قرار دادید. کسانی را سرزنش می‌کنید که خود از آنها برای سرزنش شدن، سزاوارترید.

پس با وجود این خیانتها کدام دعایتان مستجاب می‌شود؛ در حالی که خود ابواب و راههای اجابت را مسدود کردید؟ پس از خداوند پروا کنید و اعمال خود را نیکو گردانید و باطنهای خود را خالص گردانید و امر به معروف و نهی از منکر کنید. در این صورت است که خداوند دعایتان را مستجاب می‌فرماید.^۱

۳ - کسب حلال

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس دوست دارد دعایش مستجاب شود، باید درآمد خود را از راه حلال قرار دهد.^۲

۴ - دعا در حال عافیت

امام صادق علیه السلام فرمودند:

جذم فرمود: در دعا کردن، پیشی گیرید؛ زیرا اگر بنده‌ای زیاد اهل دعا باشد، وقتی بلایی به او می‌رسد و دعا می‌کند، گفته می‌شود: صدای آشنایی است اما اگر زیاد اهل دعا نباشد، وقتی در هنگام نزول بلا دعا می‌کند می‌گویند: پیش از امروز کجا بودی؟!^۳

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۶، ح ۱۷، به نقل از دعائم الدین.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الثناء قبل الدعاء، ح ۹.

۳. اصول کافی، باب التقدّم فی الدعاء، ح ۵.

تا اینجا چهار شرط کلی مربوط به دعاکنندگان مطرح شد، اینک دو شرط دیگر که به حالت دعا کردن مربوط می‌شود:

شرط اول دعا: اقبال قلبی

اقبال قلبی یعنی آدمی در موقع دعا کردن، قلباً متوجه خداوند و دعا به درگاه او باشد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

همانا خدای عز و جلّ دعایی را که برخاسته از دل غافل و بی‌توجه باشد، مستجاب نمی‌کند. بنابراین، در وقت دعا کردن، با دل خود رو بیاور؛ آن‌گاه به اجابت [دعا] یقین داشته باش.^۱

شرط دوم دعا: رقت قلب

امام صادق علیه السلام فرمودند:

همانا خدای عز و جلّ دعایی را که برخاسته از دل سخت باشد، مستجاب نمی‌فرماید.^۲

و باز فرمودند:

هرگاه [دل] یکی از شما نرم شد، دعا کند؛ زیرا دل تا خالص نگردد، نرم نمی‌شود.^۳

خلوص یعنی صفای دل و پاک شدن آن از اموری مانند نیرنگ، حسد، حرص و هرگناه دیگر، وقتی قلب انسان از این آلودگیها پاک شود، بیشتر در معرض نزول رحمت الهی قرار می‌گیرد و به همین جهت

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاقبال علی الدعاء، ح ۱.

۲. همان، ح ۴.

۳. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاوقات و الحالات...، ح ۵.

است که فرمودند در آن حال دعا کنید.

پس در مجموع، از احادیث ائمه علیهم السلام می توان نتیجه گرفت که وعده اجابت دعا به کسانی که با رقت قلب دعا می کنند، داده شده و دعا با حالت قساوت قلب، مشمول این وعده نیست.

موانع اجابت

۱ - پاک نبودن دل

اولین مانعی که بر سر راه اجابت دعا وجود دارد، پاک نبودن دل انسان از آلودگیهای روحی و معنوی است. امام صادق علیه السلام می فرمایند: یکی از بنی اسرائیل سه سال از خدا می خواست که به او فرزند پسری عطا فرماید. وقتی دید که خداوند او را اجابت نمی کند، عرض کرد: ای پروردگار من! آیا از تو دور هستم که صدایم را نمی شنوی؟ یا تو به من نزدیک هستی، و جوابم نمی دهی؟ پس کسی را در خواب دید که به او گفت:

تو سه سال است که خداوند را می خوانی، بازبان بدگو و دل بی رحم و ناپاک و نیت نادرست. پس [اگر می خواهی دعایت مستجاب شود] بد زبانیات را کنار بگذار و قلبت تقوای الهی پیشه سازد و نیتت نیکو گردد.

آن مرد به این سفارش شما عمل نمود، و سپس به درگاه خداوند دعا کرد؛ پس پسری برای او به دنیا آمد.^۱

خواندن خداوند با زبان آلوده به سخنان زشت و قلب ناپاک و با نیت نادرست، از بزرگ ترین موانع استجاب دعا به شمار می آید.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۷۷، ح ۱۸، به نقل از فلاح السائل.

۲ - حقّ النَّاس

یکی دیگر از موانع اجابت دعا، بودن حقّ النَّاس بر گردن دعاکننده است. این حق ممکن است مالی یا غیر مالی باشد؛ مثلاً اگر با کار یا سخن خود آبروی مؤمنی را برده باشد، در واقع، حقّی از او ضایع کرده است. هر کس حقّ دیگران را ضایع کرده باشد، به آنان مدیون است. این حقّ ضایع شده «مَظْلَمَه» نامیده می شود که یکی از موانع استجابت دعا شمرده شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام از قول حضرت عیسی بن مریم علیها السلام نقل فرموده اند که خداوند متعال به ایشان چنین وحی فرمود:

من دعای هیچ یک از شما را اگر حقّی از دیگران بر عهده اش باشد، مستجاب نمی کنم.^۱

گاهی انسان بر اجابت دعایی به پیشگاه الهی اصرار زیاد می کند و به گمان خود تمام شرایط اجابت را هم فراهم نموده است؛ اما اثری از اجابت دعا نمی بیند. یکی از موانع جدّی در این امر، حق یا حقوقی است که از دیگران به عهده اوست و چه بسا سالهای سال از آن گذشته و آن را فراموش کرده باشد. در این صورت، باید به جبران و ادای آن حق و «مظلّمه» اقدام کند تا موانع اجابت رفع گردد.

۳ - گناه

از مهم ترین موانع استجابت دعا گناه است که تأثیر بسزایی در این خصوص دارد. از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

همانا بنده برآورده شدن یکی از حاجتهای دنیوی خود را از خداوند می خواهد. پس خدای متعال کار برآوردن آن را - در آینده

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۱۹، ح ۲۷، به نقل از فلاح السائل.

نزدیک یا با اندکی تأخیر - به جریان می‌اندازد. در همین میان، بنده گناهی مرتکب می‌شود. پس [خداوند] به فرشته‌ای که برای برآوردن نیاز آن بنده گماشته شده است، می‌فرماید: خواسته‌اش را برآورده نکنید؛ زیرا او [با انجام گناه] خود را در معرض ناخشنودی من قرار داده از جانب من، مستحق محرومیت گردیده است.^۱

آری، گناه مسیر اجابت دعا را منحرف و جریان آن را مسدود می‌کند. کسی که به اجابت دعایش امید دارد، باید پیش از دعا و پس از آن، از ارتکاب عملی که موجب ناخشنودی خداوند از او می‌گردد، اجتناب کند. لذا کسی که به انجام گناهی عادت دارد و در مسیر معصیت قدم بر می‌دارد، هر قدر اصرار و پافشاری کند، باز هم مستحق رحمت الهی و استجابت دعا نمی‌شود. پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ از کنار یکی از یارانش گذشت که در حال سجده (مشغول دعا) بود. آن حضرت پس از انجام کارش، از همان مسیر بازگشت و آن شخص همچنان در حال سجده بود. به او گفت: اگر رفع نیاز تو به دست من بود، حتماً برایت برآورده می‌کردم. اینجا بود که خداوند به او (موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ) وحی فرمود: اگر آن قدر سجده کند که گردنش قطع شود، من او را نمی‌پذیرم؛ مگر اینکه از آنچه نمی‌پسندم، خارج و به آن صورتی که دوست دارم، در آید.^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۷۶، ح ۱۶، به نقل از عده الذاعی.

۲. همان، ص ۳۴۱، ح ۱۱، به نقل از عده الذاعی.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید:

خدمت آن حضرت رسیدم و عرض کردم: خداوند می فرماید: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۱؛ اما من دعا می کنم ولی اجابت نمی بینم. امام فرمودند: آیا معتقدی که خدای متعال خلف وعده می کند؟ خیر. فرمودند: پس چه (چرا دعایت مستجاب نمی شود)؟ گفتم: نمی دانم. فرمودند: من به تو خبر می دهم.

بدانید که شما اگر خداوند را در آنچه به شما امر فرموده، اطاعت کردید، سپس او را می خواندید، شما را اجابت می فرمود؛ اما شما با او مخالفت و او را معصیت می کنید؛ پس او شما را اجابت نمی نماید.^۲

روشن است که امام صادق علیه السلام یکی از موانع جدی و مؤثر اجابت دعا را گناهان دعا کننده می داند. کسی که با امر الهی مخالفت می کند، خداوند هم پاسخ او را نمی دهد.

۴ - مخالفت با حکمت

از دیگر موانعی که برای اجابت دعا ذکر شده، این است که آنچه انسان از خدا درخواست می کند، با حکمت او مخالف باشد. به این مطلب در سخنی از امیرالمؤمنین علیه السلام تصریح شده است:

همانا کرم خدای سبحانه حکمت او را نقض نمی کند و به همین دلیل، هر دعایی اجابت نمی شود.^۳

کارهای خداوند همیشه و برای هر کس، حکیمانه است. این

۱. غافر (۴۰): ۶۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۱۹، ح ۲۸، به نقل از فلاح السائل.

۳. غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۳۷۶۴.

حکمت گاهی به صلاح و مصلحت خود دعاکننده مربوط می‌شود؛ مانند اینکه شخص در دعایش چیزی را بخواهد که اگر خدا آن را به او عطا کند، به ضرر دین یا دنیایش باشد. در این صورت، چون خود فرد از آنچه به صلاحش است خبر ندارد، دعا می‌کند و چیزی را طلب می‌کند که به ضررش تمام می‌شود. اما خداوند حکیم - اگر بخواهد به بنده‌اش خیر برساند - دعای او را مستجاب نمی‌فرماید.

باید دانست، همیشه حکمت کارهای خدا به صلاح و مصلحت فرد دعاکننده مربوط نمی‌شود. در پس پرده آنچه در ظاهر دیده می‌شود، حساب و کتابهای فراوانی در کار است که ما انسانها از بیشتر آنها بی‌خبریم.

۵ - کوتاهی در ایجاد اسباب

مانع بسیار مهم دیگر در مسیر استجاب دعا، این است که دعاکننده به دعای تنها اکتفا کند و هیچ تلاشی در راه تهیة اسباب و مقدمات تحقق خواسته‌اش انجام ندهد.

از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

دعای چهار کس مستجاب نمی‌شود: کسی که در خانه‌اش می‌نشیند [کار و تلاش نمی‌کند] و می‌گوید: خدایا به من روزی برسان. پس به او [از جانب خداوند] گفته می‌شود: آیا تو را به طلب [روزی] امر نکردم؟ ... و کسی که مالی دارد، ولی آن را تباه می‌کند و می‌گوید: خدایا به من روزی برسان. پس [از جانب خدا] به او گفته می‌شود: آیا به تو دستور میانه‌روی و اعتدال ندادم؟ آیا تو را امر نکردم که اموال خود را در راه صحیح خرج کنی؟ ... و کسی که مالی دارد، ولی آن را بدون اینکه شاهد بگیرد، به دیگری

قرض داده است. به چنین کسی [از جانب خداوند] گفته می‌شود: آیا به تو دستور ندادم که [در هنگام قرض دادن] شاهد بگیری؟^۱

۶- ترک امر به معروف و نهی از منکر

عامل دیگری که به عنوان مانع اجابت دعا مطرح شده، ترک امر به معروف و نهی از منکر است. به تصریح روایات، این گناه باعث می‌شود که دعای نیکان و اخیار نیز به هدف اجابت نرسد. از پیامبران گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمودند:

شما باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه، خداوند بدهای شما را بر خوبانتان مسلط می‌گرداند، آن وقت، نیکان شما دعا می‌کنند، اما مستجاب نمی‌شود.^۲

خوبان کسانی‌اند که خود اهل گناه و معصیت نیستند؛ اما اگر با امر به معروف و نهی از منکر، بدها را به راه نیاورند یا حدّ اقل و وظیفه شرعی خود را نسبت به آنان انجام ندهند، مستحقّ وعید الهی می‌گردند. وعید خداوند این است که دعای ایشان به پیشگاه خداوند اجابت نمی‌شود.

۷- اهل شراب یا آلات موسیقی یا قمار بودن

از دیگر موانع اجابت دعا این است که دعاکننده با آلات موسیقی یا آلات قمار سروکار داشته باشد. همه این گونه ادوات را «آلات لهو» می‌نامند. اینها به قدری مبعوض خدای متعال‌اند که وجود آنها در یک خانه، اهل آن را از همه برکات الهی محروم می‌کند و مانع فرود آمدن فرشتگان الهی به آنجا می‌گردد. از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من لا تُستجاب دعوته، ح ۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۷۸، ح ۲۱، به نقل از فلاح السائل.

که فرمودند:

فرشتگان به خانه‌ای که در آن شراب یا دایره زندگی یا سه‌تار یا نرد باشد، وارد نمی‌شوند و دعای اهل آن به اجابت نمی‌رسد و خداوند برکت را از آنان برمی‌دارد.^۱

در این حدیث شریف، به چند چیز که به شدت، نزد خدا پلید و خبیث شمرده می‌شوند، اشاره شده است. یکی شراب است و دیگری، برخی از آلاتی که برای ساخت موسیقی به کار می‌رود و سوم یکی از آلات قمار که با آن نرد بازی می‌کنند. وجود یکی از این سه چیز در هر خانه‌ای، رحمت الهی را از آن دور می‌کند و مانع اجابت دعای کسانی می‌شود که اهل یکی از این امور باشند.

نتیجه اینکه مانع شدن هریک از موانع اجابت دعا - غیر از مورد چهارم که به کوتاهی کردن خود فرد مربوط نمی‌شود - ضروری و قطعی نیست و بستگی دارد به اینکه خداوند بخواهد با عدل خود با بنده‌اش رفتار کند یا با فضل. مانع شدن آن عوامل فقط در فرضی است که عدل الهی اجرا شود.

اجابت شونده‌گان

آخرین مطلبی که در بحث اجابت دعا باید مورد توجه قرار گیرد، وعده خاصی است که از جانب خداوند به برخی افراد، به صورت مطلق یا در حالات خاصی، برای اجابت دعاهاى ایشان داده شده است. تعداد مهم‌ترین این موارد به پانزده عدد می‌رسد که در اینجا به همه آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - دعا یا نفرین پدر در حق فرزند

اولین موردی که مشمول وعده اجابت دعا به طور خاص قرار گرفته، دعا یا نفرین پدر در حق فرزندش است؛ دعای پدر در حق فرزند نیکوکار و نفرین او در حق فرزندی که مرتکب «عقوق» پدر شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

سه گونه دعا از خدای متعال محجوب و پوشیده نمی ماند: دعای پدر در حق فرزندش وقتی به او نیکی کرده و نفرین پدر در حق فرزند وقتی او را ناراحت نموده است...^۱

فرزندی که به پدرش نیکی و احسان کند و مورد دعای خیر او قرار گیرد و فرزندی که پدر خود را ناراحت کند و آزار دهد و مورد نفرین او واقع شود، دعا یا نفرین پدرش در حق وی مستجاب خواهد شد.

۲ - دعا یا نفرین مظلوم

یکی از کسانی که نسبت به دعایشان به طور خاص، وعده اجابت داده شده، مظلوم است. کسی که حَقّش پایمال شده و مورد تجاوز قرار گرفته، مظلوم است. دعای چنین کسی در دو مورد مستجاب است: یکی در حق ظالمی که به او ستم کرده؛ یعنی نفرین مظلوم در حق ظالم. دوم در حق کسی که انتقام او را از ظالم بگیرد. در حدیث امام صادق علیه السلام - که سه دعا را مستجاب دانسته اند - پس از دعای پدر در حق فرزند، چنین آمده است:

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶، ح ۶، به نقل از امالی طوسی.

نفرین مظلوم در حقّ ظالم به خود و دعای خیر مظلوم در حقّ کسی که انتقام او را از ظالم بگیرد.^۱

۳ - دعا یا نفرین مؤمن در حقّ کسی که به او نیکی یا بدی کرده است در ادامه فرمایش امام صادق علیه السلام گروه سومی که به اجابت دعایشان وعده داده شده، معرفی شده‌اند:

شخص مؤمنی که در حقّ برادر مؤمن خود دعا کند؛ هنگامی که [آن برادر دینی] به خاطر ما [اهل بیت علیهم السلام] به او مساعدت و کمکی کرده است. همچنین نفرین آن مؤمن در حقّ مؤمن دیگر در صورتی که با وجود توان کمک و نیاز ضروری او، از مساعدت دریغ نموده است.^۲

وظیفه هر مؤمنی نسبت به برادران و خواهران ایمانی اش این است که اگر امکاناتی دارد و از دستش کمکی برمی آید، از مساعدت به آنان کوتاهی نکند.

۴ - دعای امام عادل در حقّ رعیت

یکی دیگر از دعاهایی که به اجابت آن وعده داده شده، دعای خیر امام عادل در حقّ رعیت خویش است. از مولا امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمودند:

دعای چهارکس رد نمی‌شود: امام عادل در حقّ رعیتش.^۳

قطعی‌ترین مصداق این امر، دعای امام زمان علیه السلام در حقّ شیعیان خود است و این وعده از دلنشین‌ترین وعده‌های الهی است که امید زیادی را

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶، ح ۶، به نقل از امالی طوسی.

۲. همان.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۴۲۳، ح ۴۰، به نقل از الارشاد مفید.

در دل‌های مؤمنان ایجاد می‌کند و به آنان بشارت می‌دهد که اگر از استجابیت دعای خود و دیگران ناامید هستند، می‌توانند به دعای امام زمانشان در حق خود امید ببندند که خدا به اجابت آن، وعده داده است.

۵ - دعای فرزند نیکوکار در حق پدرش

دعایی دیگر که به اجابت آن وعده داده شده، دعای فرزند نیکوکار است در حق پدرش. این مورد در ادامه حدیثی که از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شد، به این تعبیر است:

و [دعای] فرزند نیکوکار در حق پدرش.^۱

همان‌طور که دعای پدر در حق فرزند نیکوکارش مستجاب است (مورد اوّل)، دعای فرزند نیکوکار نیز در حق پدرش مستجاب می‌باشد. در اینجا ملاک، نیکوکار (بار) بودن فرزند است.

۶ - دعای عمره گزار

یکی از دعاهایی که به اجابت آن وعده داده شده، دعای کسی است که عمره خانه خدا را به جامی آورد. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمودند:

دعای چهار کس رد نمی‌شود و درهای آسمان برای آن [دعا] باز می‌شود و به عرش می‌رسد: دعای خیر پدر در حق فرزندش و نفرین مظلوم در حق کسی که به او ظلم کرده و دعای عمره گزار تا زمانی که [از عمره] برگردد.^۲

هم کسانی که عمره مفرده (در غیر فصل حج) به جامی آوردند و هم

۱. بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۴۲۳، ح ۴۰، به نقل از الارشاد مفید.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۵۴، ح ۱، به نقل از امالی صدوق.

آنان که به عنوان بخشی از حج تمتع، عمره تمتع انجام می دهند، هر دو گروه، معتمر (عمره گزار) هستند و تا زمانی که از خانه خدا مراجعت نکرده اند، دعاهایشان مستجاب است.

۷ - دعای روزه دار

دعای دیگری که به اجابتش وعده داده شده، دعای روزه دار است پیش از آنکه افطار نماید. در حدیث گذشته چهارمین کسی که دعایش رد نمی شود و به عرش الهی می رسد، همین مورد است:
و [دعای] روزه دار پیش از آنکه افطار کند.^۱

خداوند به کسی که در طول روز، روزه داشته و هیچ یک از مفطرات را انجام نداده، وعده فرموده که پیش از افطار دعایش را مستجاب فرماید.

۸ - دعای حج گزار

از دعاهایی که به استجاب آن وعده داده شده، دعای کسی است که به حج خانه ی خدا مشرف می گردد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

سه گروه دعاهایشان مستجاب است: حج گزار، پس بنگرید که چگونه جای او را می گیرید...^۲

می فرمایند خدا دعای حج گزار را مستجاب می فرماید؛ حال شما بنگرید که چگونه جای او را در میان خانواده و بازماندگانش می گیرید.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۵۴، ح ۱، به نقل از امالی صدوق. این حدیث در کتاب شریف اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۶ نیز آمده است.
۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۱.

مقصود این است که وقتی کسی به حجّ مشرف می‌شود، دیگران وظیفه دارند جای خالی او را در خانواده‌اش از جهت رسیدگی و رفع مشکلات آنان، پر کنند. باید نزدیکان و آشنایان او به گونه‌ای رفتار کنند که خانواده حاجی و کسانی که تحت سرپرستی او بوده‌اند، حتی الامکان، احساس خلأ و نیاز نکنند.

۹ - دعای جهاد کننده در راه خدا

مورد دیگری که به دعایش وعده‌ی اجابت داده شده، کسی است که در راه خدا به جنگ با دشمنان دین می‌رود. در ادامه حدیث گذشته، این گروه چنین معرفی شده‌اند:

کسی که در راه خدا جهاد می‌کند؛ پس بنگرید که چگونه جای او را پر می‌کنید.^۱

در این مورد هم دیگران وظیفه دارند جای خالی آن مجاهد در راه خدا را در میان اهل و خانواده‌اش پر کنند؛ تا آنان غیر از دوری آن جنگجو و رنجهایی که از این جهت متحمل می‌شوند، درد دیگری نداشته باشند.

۱۰ - دعای مریض

یکی دیگر از دعاهاى مستجاب، دعای فرد بیمار است. در ادامه حدیث گذشته گروه سوم همین گروه‌ها هستند.

بیمار [دعایش مستجاب است]؛ پس او را خشمناک نکنید و به ستوه نیاورید.^۲

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۱.

۲. همان.

وظیفه نزدیکان بیمار و کسانی که با او تماس دارند، این است که ملاحظه حال او را بکنند و با کارها یا سخنان خود، او را به رنج و غضب نیاورند.

۱۱ - دعا پشت سر دیگران

از جمله دعاهایی که به استجاب آنها وعده داده شده، دعای مؤمن در حق برادران دینی اش، پشت سر آنهاست.

در حدیث قدسی آمده که از جانب خدای متعال به حضرت موسی علیه السلام چنین وحی شده است:

[ای موسی]، مرا با زبانی بخوان که مرا با آن معصیت نکرده باشی. حضرت موسی عرض کرد: ای پروردگار من، چگونه می توانم چنین کنم؟ فرمود: مرا با زبان غیر خودت بخوان.^۱

خواندن خداوند به زبان غیر خود، به این است که دیگری برای انسان دعا کند. هیچ گاه کسی به زبان دیگری خدا را معصیت نمی کند؛ به همین جهت به چنین دعایی امر شده است. تحقق این امر الهی به این است که مؤمنان در حق یکدیگر دعا کنند تا خداوند همه آنان را رحمت فرموده و دعاها را برای همه ی ایشان اجابت فرماید.

۱۲ - دعای فقیر مؤمن

علاوه بر مواردی که بیان شد، دعای فقیری که مورد کمک قرار گرفته نیز طبق وعده خداوند مستجاب است. ائمه هدی علیهم السلام این مورد را چنین معرفی فرموده اند:

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۶۰، ح ۲۳، به نقل از عده الداعی.

فقیری که نعمتی به او داده شده، در صورتی که مؤمن باشد.^۱
اگر کسی به شیعه نیازمندی کمک کند، می تواند از دعای خیر او - که
وعدۀ استجابت آن داده شده - بهره مند گردد.

۱۳ - دعای کودکان امت پیامبر ﷺ

از دعاهایی که به اجابت آنها وعده داده شده، دعای کودکانی است
که هنوز به سن تکلیف نرسیده اند و لذا گناهی هم مرتکب نشده اند.
حضرت امام رضا علیه السلام از پدران گرامی خود از رسول خدا ﷺ این
مطلب را نقل فرموده اند:

دعای کودکان امت من - که مرتکب گناهان نشده اند - مستجاب
است.^۲

در بحث موانع اجابت دعا، گفته شد که مانع عمده در اجابت دعا
گناهان و کوتاهیهای انسانهاست. از این رو، کودکانی که هنوز به سن
بلوغ نرسیده اند، چنین مانعی در مسیر اجابت دعاهایشان وجود ندارد.
پس خوب است که بزرگ ترها کوچک ترها را در دعا کردن مقدم کنند
تا به آبروی آنها خداوند دیگران را هم مورد رحمت خویش قرار دهد.

۱۴ - دعای مسافر

دعای دیگری که به اجابت آن وعده داده شده، دعای مسافر است که
از خانه و وطنش، دور افتاده است. از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل
شده که فرمودند:

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۶۰، ح ۲۰، به نقل از الجواهر کراچی.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۵۷، ح ۱۴، به نقل از صحیفه الرضا علیه السلام.

سه دعا بدون شک، مستجاب است: دعای مظلوم و دعای مسافر
و نفرین پدر در حق فرزندش.^۱

۱۵ - دعای قاری قرآن

یکی از دعاهایی که به استجاب آن وعده داده شده، دعای قاری قرآن
است. از حضرت حسن بن علی علیه السلام نقل شده که فرمودند:
کسی که قرآن را تلاوت کند، دعای مستجاب دارد؛ فوری و زود
یا در آینده.^۲

خداوند به خاطر حرمت قرآن، به قاری قرآن وعده فرموده که
دعایش را مستجاب کند؛ حال ممکن است دعای عاجل او باشد یا دعای
آجلش؛ یعنی دعایی که از او اجابت می‌گردد، سریع و فوری باشد یا
مربوط به آینده‌اش. در هر حال، طبق وعده خداوند حداقل یک دعای
مستجاب برای هر قاری قرآن هست.

این پانزده مورد دعاهایی‌اند که مطابق احادیث، به استجاب آنها
وعده داده شده است. البته مواردی که تحت عنوان «شرایط اجابت»
مطرح شدن نیز باید در اینجا مد نظر باشد. گاهی فقدان یکی از آنها باعث
رَد دعای شخص می‌گردد.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷، به نقل از نوادر الراوندی.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۱۳، ح ۷، به نقل از الدعوات راوندی.

۴ فصل

آداب دعا

۱ - یأس از خلق

اولین ادب قلبی دعا این است که دعاکننده با قطع کامل امید از غیر خدا دست به دعا بلند کند. انسانی که در رفع حاجت خود از خلق خدا مأیوس است، حالش با کسی که هنوز امیدش از غیر خدا قطع نشده، متفاوت است. اگر انسان بتواند در دعاهاى خود همیشه حال یأس از غیر خدا را داشته باشد، می‌تواند به اجابت آنها بسیار امیدوار گردد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هرگاه یکی از شما بخواهد که هر درخواستی از پروردگارش می‌کند، [خدا] به او عطا فرماید، باید از همه مردم ناامید شود و امیدی جز از جانب خداوند نداشته باشد. اگر خداوند این حالت قلبی را در او ببیند، هرچه بخواهد، به او عطا می‌فرماید.^۱

۲ - رضایه قضای الهی

دومین ادب قلبی دعا این است که انسان به خاطر عدم رضایت از قضای الهی دعا نکند و قلباً به آنچه خداوند برایش مقدر فرموده، راضی

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۱۴، ح ۱۹، به نقل از عده الداعی.

و خشنود باشد. در این صورت، خداوند وعده فرموده که دعایش را مستجاب می‌فرماید. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:
 چگونه مؤمنی، مؤمن است، در حالی که از قسمت (مقدر) خود ناراضی است؟ ... و من برای کسی که چیزی جز خشنودی [از قضای الهی] در دلش نباشد ضامنم که دعای او به درگاه خداوند مستجاب شود.^۱

۳ - یقین به اجابت

سومین ادب قلبی دعا این است که انسان بایقین به اجابت، خدای خود را بخواند. اگر به جای یقین، گمان یا شک یا احتمال باشد، هرگز آن شور و شوق در هنگام دعا، به وجود نخواهد آمد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

هرگاه دعا می‌کنی، یقین داشته باش که حاجتت دم در است.^۲
 یقین به اجابت در حال دعا به معنای پیشگویی و داشتن علم غیب به اجابت دعا نیست. چه بسا که انسان با حال یقین به اجابت، دعا می‌کند و مستجاب نمی‌شود. اما وجود این حال در نوع و چگونگی دعا کردن انسان بسیار مؤثر است و در اقبال قلبی او تأثیر زیادی دارد. این یکی از آداب دعا به شمار می‌آید.

۴ - مقدم کردن نماز

یکی دیگر از آداب مهم دعا کردن، مقدم کردن نماز بر آن است. این امر دعا را به استجابت نزدیک می‌سازد.

۱. اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب الرضا بالقضاء، ح ۱۱.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الیقین فی الدعاء، ح ۱.

نماز مستحب

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس وضوی نیکو و کامل بگیرد سپس و دو رکعت نماز بگذارد و رکوع و سجود آن را کامل و خوب به جای آورد آن گاه سلام دهد و ثنای خدای عز و جل و رسول او را گوید و سپس حاجت خود را بخواهد، دعایش در جایگاه استجاب است و هر کس در موقعیتی که گمان اجابت می رود، طلب خیر کند ناکام نمی ماند.^۱

نماز واجب

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

هر کس یک نماز واجب را بگذارد، برای او نزد خداوند، یک دعای مستجاب خواهد شد.^۲

ادای هر نماز واجب می تواند وسیله تقرّب انسان به پیشگاه خداوند باشد و یکی از آثار آن، استجاب دعای آن نماز گزار است.

۵ - شروع با بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از زیباترین آداب دعا، شروع آن با آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم» است. از رسول مکرم اسلام نقل شده است که فرمودند: دعایی که ابتدای آن بسم الله الرحمن الرحيم باشد، رد نمی شود.^۳ چه خوب است که دعا با نام مقدّس «الله» متّصف به «رحمان» و «رحیم» آغاز شود تا مقبول درگاه حق افتد و رد نشود.

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۵، ح ۱، به نقل از عذّة الذاعی.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۴، ح ۸، به نقل از مجالس مفید و بحار الانوار، ج ۸۵،

ص ۳۲۱، ح ۷، به نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام.

۳. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۳، ح ۱۷، به نقل از الدعوات راوندی.

۶ - مقدم کردن حمد و ثنای خداوند

امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی نماز واجب را ادا کردی، خداوند را تمجید و تعظیم می‌کنی و او را با همه آنچه در توان داری، مدح می‌گویی.^۱
یاد کردن خداوند به عظمت، نشان دهنده عمق معرفت دعاکننده نسبت به خداست و هرچه این معرفت بالاتر و عمیق‌تر باشد، دعای برخواسته از آن، قدر و ارزش بیشتری پیدامی‌کند.

۷ - یاد کردن از نعمتهای خدا و شکر آنها

ادب دیگری که باید در دعا رعایت شود، یاد کردن از نعمتهای خدا و شکرگزاری نسبت به آنهاست. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:
[دعا را] با ستایش خدا و یاد کردن نعمتهایی که به تو ارزانی داشته، آغاز می‌کنی سپس او را شکر می‌گزاری....^۲
یاد کردن از نعمتهایی که خداوند به انسان ارزانی داشته، خود از مصادیق شکر زبانی است.

۸ - صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام

از دیگر آداب دعا کردن - که باید حتماً رعایت شود - صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی ایشان علیهم السلام است که منشأ و سرچشمه همه خیرات و برکات الهی برای انسان‌اند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۰، ح ۲۸، به نقل از الدعوات راوندی.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الثناء قبل الدعاء، ح ۸.

همواره دعا [از اجابت] محجوب است تا وقتی که بر پیامبر ﷺ و آل ایشان صلوات فرستاده شود.^۱

محجوب بودن دعا به معنای بازداشته شدنش از اجابت است که تا وقتی صلوات بر اهل بیت ﷺ فرستاده نشده، چنین است.

۹ - توسل به اهل بیت ﷺ

از دیگر آداب بسیار مؤثر در اجابت دعا، توسل به اهل بیت ﷺ است. در واقع، انسان، آنان را - که آبرومندترین خلایق نزد خدایند - وسیله قرار می‌دهد تا خداوند به خاطر آنها، دعای او را مستجاب فرماید. خداوند در قرآن می‌فرماید:

و اسماء نیکوتر از آن خداوند است، پس او را به آنها بخوانید.^۲

باید دید منظور از اسماء نیکو و خواندن خداوند به آنها چیست. امام رضا علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرموده‌اند:

هرگاه مشکل سختی برای شما پدید آمد، به واسطه ما از خداوند کمک بخواهید. این مطلب به فرمایش خداوند مستند است که فرمود: اسماء نیکوتر از آن خداست؛ پس او را به آنها بخوانید.

امام رضا علیه السلام در ادامه سخن خود از امام صادق علیه السلام درباره اسماء حُسنی چنین نقل فرمودند:

قسم به خدا، ما هستیم اسماء حُسنی که چیزی از کسی جز به سبب معرفت ما پذیرفته نمی‌شود... پس به اینها (اسماء حُسنی) او را بخوانید.^۳

۱. اصول کافی، باب الصلاه على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، ح ۱.

۲. اعراف (۷): ۱۸۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۵ و ۶، ح ۷، به نقل از تفسیر عیاشی.

۱۰ - اقرار به گناهان و استغفار از آنها

یکی دیگر از زیباترین آداب دعا، اعتراف به گناهان و استغفار از آنهاست. پاک شدن از گناهان جز با اقرار و اعتراف به آنها امکان ندارد؛ لذا این امر از آداب دعا بر شمرده شده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

جز این نیست که آداب دعا عبارت‌اند از: ستایش [پروردگار]، سپس ثنا گفتن [او]، سپس اعتراف به گناه و سپس درخواست [از خداوند] قسم به خدا هیچ بنده‌ای جز با اعتراف [به گناهان]، از گناه خارج نشده است.^۱

۱۱ - تعمیم دادن در دعا

یکی دیگر از نیکوترین آداب دعا این است که انسان وقتی خیری را از خداوند طلب می‌کند، آن را فقط برای خود نخواهد، بلکه دیگران را نیز در خواسته خود شریک گرداند. این خصلت دعا را به اجابت نزدیک‌تر می‌کند.

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده فرمودند:

هرگاه یکی از شما دعا می‌کند، آن را تعمیم دهد؛ زیرا این کار باعث اجابت بهتر دعا می‌شود.^۲

برای اینکه این حالت به طور طبیعی و با انگیزه درونی انجام پذیرد، لازم است که صفت زیبای خیرخواهی برای دیگران در انسان تحقق یابد. البته همان‌طور که وعده فرموده‌اند، این کار موجب استجاب سریع‌تر دعای آدمی می‌شود.

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الثناء قبل الدعاء، ح ۳.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب العموم فی الدعاء، ح ۱.

۱۲ - دعا کردن پنهانی

یکی دیگر از آداب دعا پنهانی و سرّی دعا کردن است. امام رضا علیه السلام فرمودند:

یک دعای بنده به صورت پنهانی، با هفتاد دعای آشکار او
برابری می‌کند.^۱

به طور کلی، اگر انسان هر کار خیری را به صورت پنهان و دور از
چشم دیگران، انجام دهد، در مقایسه با زمانی که همان را علنی و
آشکار نماید، فضیلت بیشتری دارد. دعا نیز از این قاعده کلی مستثنا
نیست و لذا دعای پنهان از دعای آشکار با فضیلت تر است.

۱۳ - جمعی دعا کردن

بر عکس آنچه در مورد قبلی گذشت، در برخی از احادیث، به
جمعی دعا کردن سفارش شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر گروه چهل نفری که جمع شوند و خدای عزّوجلّ را در
موردی بخوانند، خداوند دعایشان را مستجاب فرماید. حال اگر
چهل نفر نبودند و چهار نفر بودند، که هر یک خدای عزّوجلّ را
ده بار بخوانند، خداوند دعایشان را مستجاب کند. اما اگر چهار نفر
نبودند، و یک نفر باشد که خدا را چهل بار بخواند، خداوند عزیز
جبار دعایش را مستجاب می‌کند.^۲

از این حدیث شریف، معلوم می‌شود که خداوند عنایت خاصی به
جمع مؤمنان دارد؛ به خصوص، اگر تعدادشان به چهل نفر برسد.

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب اخفاء الدعاء، ح ۱.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاجتماع فی الدعاء، ح ۱.

۱۴ - اصرار و الحاح در دعا

یکی دیگر از مهم‌ترین آداب دعا - که تأثیر بسیاری بر اجابت آن دارد - اصرار و ورزیدن برخواسته خود در دعاست. اصرار اگر در برابر مردم باشد، به هیچ وجه مطلوب خداوند نیست؛ ولی در برابر خدا این امر محبوب و پسندیده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خدای عزوجل اصرار مردم را به یکدیگر در مورد درخواستهایشان نمی‌پسندد؛ اما این امر را نسبت به خود دوست می‌دارد.^۱

۱۵ - گریستن (بکاء)

یکی دیگر از آداب نیکوی دعا، گریه کردن هنگام دعاست. گریه هر چند که به چشم نسبت داده می‌شود و می‌گویند: چشم گریان، اما در حقیقت، کار دل است و به‌طور معمول و طبیعی، تا دل نشکند، اشک از چشم سرازیر نمی‌شود. این دل‌گریان نزد خدا بسیار قیمتی و ارزشمند است. گریه‌ای که برای خدا باشد و اشکی که برای او ریخته شود، بالاتر از این است که ارزشی برای آن تعیین کنند. کافی است که یک نفر در بین یک امت، چنین حالی داشته باشد تا همه آنها مورد عنایت و رحمت حق واقع شوند.

بنابراین، اگر کسی به‌خاطر خوف از خدا به گریه آید و اشکش جاری شود، یکی از بهترین شرایط اجابت دعا برایش فراهم شده است و

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الالحاح فی الدعاء و التلبث، ح ۴.

باید قدر این حال را بداند.

حضرت ابراهیم علیه السلام از خدای متعال پرسید:

خدایا، آن کس که صورتش را با اشک به خاطر ترس از تو
مرطوب کند، چه پاداشی دارد؟

خداوند پاسخ فرمود:

پاداش او مغفرت و خشنودی من [از او] است.^۱

۱۶ - زمان مناسب برای دعا

یکی از آداب دیگر، زمان مناسب برای دعا کردن است. بعضی از این
زمانها به اوقات شبانه روز مربوط می شود و بعضی دیگر به سایر
مناسبتهای زمانی. ائمه علیهم السلام در هر دو قسمت، مطالب ارزشمندی
فرموده اند که ما به یک نمونه از آنها اشاره می کنیم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

دعا در چهار زمان مستجاب می گردد: در نماز وتر و پس از طلوع
فجر و بعد از ظهر و پس از مغرب.^۲

اما در بین همه اوقات شبانه روز، بهترین زمان، از قول رسول
گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم سحرهاست.
ایشان فرمودند:

بهترین زمان برای آنکه خدای عز و جل را در آن بخوانید،
سحرهاست.

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۳۶، ح ۳۰، به نقل از مکارم الاخلاق

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاوقات و الحالات...، ح ۲.

۱۷ - مکان مناسب برای دعا

مکانهایی که نزد خداوند شرافت و عظمت دارند، برای دعا مناسب‌تر از دیگر مکانهايند. لذا مساجد و حرمهای مطهر پیامبر ﷺ و حضرت زهرا عليها السلام و ائمه اطهار عليهم السلام از این جهت، بر سایر مکانها امتیاز و برتری دارند. ما در اینجا به دو نمونه از این مکانها اشاره می‌کنیم.

۱ - مسجد الحرام

مسجد الحرام با فضیلت‌ترین مسجد روی کره زمین است. در این مسجد شریف، بعضی از قسمتها شرافت و فضیلت ویژه‌ای برای عبادت، از جمله دعا دارند که برای در روایات، به سه نقطه اشاره شده است.

۱ - جایی که بسیار مناسب است و دعا در آن به اجابت نزدیک‌تر می‌باشد «حطیم» است. حطیم مسافت میان رکن حجر الاسود و در کعبه است.

۲ - دومین قسمتی که فضیلت بسیاری دارد، حجر اسماعیل است.

۳ - سومین قسمتی که محلّ استجاب دعا دانسته شده، در کنار قسمتی از کعبه است که آن را «مستجار» می‌گویند.

۲ - حائر حسینی

دومین مکانی که برای استجاب دعا بسیار بسیار مکان مناسبی است، حائر حسینی عليه السلام است. پیامبر ﷺ فرمودند:

آگاه باشید که اجابت [دعا] زیر گنبدش (امام حسین عليه السلام) و شفا در خاک قبر اوست...^۱

آری کنار قبر سید الشهداء علیه السلام از بهترین مکانهایی است که امید استجاب دعا در آنها می رود تا آنجا که خودائمه علیهم السلام هم از این فرصت برای دعاهایشان استفاده می کردند.

۱۸ - در دست داشتن انگشتر عقیق و فیروزه

یکی دیگر از آداب دعا این است که دعا کننده در هنگام دعا کردن، انگشتر عقیق و فیروزه در دست داشته باشد. امام صادق علیه السلام فرمودند: هیچ دستی به سوی خدای عز و جل بالا نرفته که نزد او از دستی که در آن انگشتر عقیق است محبوب تر باشد.^۱

باید توجه داشت که این آداب به یکدیگر وابسته نیستند. به این معنا که اگر انسان نتوانست یکی از آنها را رعایت کند، می تواند به بقیه عمل نماید. حتی اگر یکی از آنها را عمل کند، بهتر از آن است که به هیچ یک عمل نکند. بنابراین، هر تعداد را که بیشتر رعایت کند، به خداوند نزدیک تر خواهد شد و در نتیجه، احتمال اجابت دعایش بالاتر می رود.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۵۳ به نقل از مهج الدعوات.

فصل ۵

انگیزه ها و محتوای دعا
برای امام زمان علیه السلام

انگیزه‌ها و محتوای دعا برای دیگران

به طور معمول، دعای انسان در حقّ دیگری، پنج انگیزه می‌تواند داشته باشد. ما ضمن معرفّی این انگیزه‌ها، یک یک آنها را در مورد مولای از یاد رفته‌مان تطبیق می‌دهیم:

۱ - شفقت و رحمت

دعا از روی دلسوزی و ترحم؛ مثل دعای پدر و مادر در حقّ فرزند و دعای برادر در حقّ برادر.

۲ - تلافی کردن احسان

وقتی کسی به انسان احسانی می‌کند، یکی از مراتب شکرگزاری از آن احسان کننده، دعای خیر در حقّ اوست؛ مثل دعای شاگرد در حقّ معلم.

۳ - چشم دوختن به احسان

گاهی انسان به امید اینکه از دیگری خیری به او برسد، برایش دعا

می‌کند؛ مثل دعایی که فقرا برای جلب کمک دیگران در حق آنان انجام می‌دهند (دعای رجا).

۴ - بزرگداشت و اظهار تواضع

دعایی که در حق بزرگان و اشراف و علمای بزرگ می‌شود، از این دسته است. در این موارد، خود دعا مصداق تعظیم و بزرگداشت ایشان است و کوتاهی کردن در این دعا می‌تواند موجب هتک حرمت و توهین به آن بزرگان باشد.

۵ - پاسخ به التماس دعا

وقتی مؤمنی از انسان می‌خواهد که برایش دعا کند، وظیفه برادر ایمانی حکم می‌کند که به درخواست او پاسخ مثبت داده شود.

انطباق مطالب فوق بر امام عصر علیه السلام

این پنج انگیزه ممکن است به تنهایی، یا با هم، در دعای انسان مؤثر باشند و البته ممکن است انگیزه‌های دیگری هم در دعای انسان مؤثر باشد. حال بینیم که کدام یک از آنها درباره دعای انسان در حق امام زمانش مطابقت می‌کند:

۱ - دعای شفقت و رحمت برای امام زمان علیه السلام

همه موجبات رحمت و شفقت نسبت به حضرت مهدی علیه السلام در وجود مقدس ایشان جمع شده است که آنها را تحت دوازده عنوان زیر بیان می‌کنیم:

(۱) پدر حقیقی بودن برای اهل ایمان

- (۲) برادر حقیقی بودن برای اهل ایمان
 - (۳) غربت و کم بودن یاران
 - (۴) غیبت و دوری از دوستان و سرزمین
 - (۵) مظلوم بودن به سبب غصب شدن حقوقش
 - (۶) مظلوم بودن به علت اینکه پدر و اجداد و ارحام و نزدیکانش، به شهادت رسیده‌اند و او خونخواه همه آنان است.
 - (۷) ایمان^۱
 - (۸) زیادی دشمنان و ناتوانی دوستان ایشان
 - (۹) گرفتاری و همّ و غمّ زیاد ایشان به سبب آنچه در زمان غیبت بر دوستان و شیعیان ایشان وارد می‌شود.
 - (۱۰) طولانی بودن زمان گرفتاری ایشان
 - (۱۱) ناشناخته بودن منزلت ایشان بین مردم و منحرف بودن آنها از مسیر آن حضرت
 - (۱۲) کوتاهی کردن مؤمنان به ایشان در پیروی و خدمتگذاری
- حال اگر کسی در احوال آن امام بزرگوار تأمل کند، بسیاری جهات دیگر از این قبیل را - که موجبات شفقت و رحمت بر ایشان است - پیدا می‌کند و اگر مؤمنی با هر یک از این انگیزه‌ها با اخلاص برای امامش دعا کند، فوایدی را که در هر یک از این دوازده عنوان اشاره شد، درک خواهد کرد. مثلاً اگر به انگیزه پدر حقیقی بودن امام زمان علیه السلام برای ایشان دعا کند، ثواب نیکی کردن به پدر را می‌برد.

۱. همین که آدمی از اهل ایمان باشد، برای اینکه مؤمنان نسبت به او شفقت داشته باشند و برایش دعا کنند، بسنده است. امام زمان علیه السلام سرور اهل ایمان و پیشوای آنان است و از همین رو، مشمول این حکم است.

دعا از سر هریک از این انگیزهها فوائد و آثار ارزنده زیادی دارد و اگر همه اینها با هم جمع شوند، برکات فراوانی خواهند داشت.

۲ - دعا برای امام عصر علیه السلام برای تلافی کردن احسان ایشان

باید بدانیم همه نعمتهایی که در اختیارمان بوده، هست و خواهد بود، به وساطت و برکت وجود آن امام همام علیه السلام است. علاوه بر این، ایشان انواع احسانها را در حق ما انجام می دهند که از آن جمله است:

الف و ب) دعا در حق دوستان و برای دفع دشمنان

خود ایشان در توقیعی به مرحوم شیخ مفید مرقوم فرموده اند:
... [آن منافق] با نیرنگ خود اهل ایمان را قصد می کند، ولی به هدفش - که ظلم و تجاوز است - نمی رسد. زیرا ما در پی محافظت از آنانیم؛ با دعایی که از پادشاه زمین و آسمان پوشیده نمی ماند. پس دلهای دوستان ما بر این امر مطمئن باشد.^۱

همچنین در توقیع دیگری می فرمایند:

همانا ما در محافظت و توجه به شما سهل انگاری نمی کنیم و یاد شما را فراموش نمی کنیم و اگر چنین نبود، بلاهای سخت بر شما فرو می آمد یا دشمنان، شما را ریشه کن می کردند.^۲

ج) حلم آن حضرت نسبت به مؤمنان

با این همه بی معرفتی، خطا و گناه ما، جا دارد که امام علیه السلام به ما قهر و بی اعتنایی کنند، اما حلم و بردباری می ورزند و ما را از خود طرد نمی کنند.

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.

۲. همان، ص ۳۲۳.

د) افاضات علمی به مؤمنان

یقین داشته باشیم که اگر علوم و معارف الهی و صحیحی به ما می‌رسد، به لطف امام عصر علیه السلام در حق ماست. امام زین العابدین علیه السلام در تشریح این مطلب به ابو حمزه فرموده‌اند:

... همانا خداوند در آن وقت (بین الطلوعین) روزیهای بندگان را

تقسیم می‌کند و آنها را به دست ما جاری می‌سازد.^۱

روزیهایی که به دست امام علیه السلام جاری می‌شود، هم مادی است و هم معنوی. علوم و معارف مصداق روزیهای معنوی‌اند.

ه) شفاعت امام علیه السلام در حق ما

این شفاعت نه فقط در قیامت، بلکه در این دنیا نیز هست و ما ایشان را برای حوائج مادی و معنوی خود واسطه قرار می‌دهیم.

این پنج مصداق - که در بالا ذکر شد - نمونه کوچکی از احسانهای آن حضرت در حق ماست و زبان از بیان همه آنها قاصر است. حال طبق آیه ۶۰ سورة الرّحمان (آیا جزای نیکی جز نیکی است؟) چقدر و چگونه می‌توان ذره‌ای از الطاف آن امام را جبران کرد؟

۳ - دعا در حق امام عصر علیه السلام از روی امید به احسان ایشان

واقعیت این است که ما نسبت به امام عصر علیه السلام از هر گدایی محتاج‌تریم و کسی که ذره‌ای از الطاف بیکران آن حضرت را به دوستانش، چشیده باشد، دیگر در خانه ایشان را رها نمی‌کند و با هر وسیله‌ای، از جمله دعا در حقشان خواهان جلب توجه و تصدق و

عنایت ایشان می‌گردد.

مؤلف کتاب مکیال المکارم این نکته را چنین تذکر می‌دهد:

دعای ما در حق امام عصر علیه السلام از باب هدیه‌ای است که یک شخص حقیر فقیر به یک پادشاه بزرگ گرانقدر، تقدیم می‌کند و بدون شک، این کار نشان دهنده نیاز این فقیر به عطا و پاداش آن سلطان بزرگ است و این عادتی است که بردگان نسبت به ارباب خود و هر فرد دانی نسبت به عالی دارد.^۱

حقیقت این است که ما چیزی نداریم که بتوانیم به سبب آن لیاقت دوستی و خدمتگذاری امام عصر علیه السلام را داشته باشیم و هر چه هست، لطف و کرم ایشان است و از جانب ما جز کوتاهی و تقصیر، هیچ نه! دعای ما در حق آن بزرگوار به هیچ وجه، قابل ایشان نیست و در حدّ قدر و اندازه خودمان است. ما با دعایمان در حق امام زمان علیه السلام می‌خواهیم بگوییم. در زمانی که بسیاری از مسلمانان و حتی شیعیان، ولی نعمت خود را فراموش کرده‌اند و او را از زندگی‌شان کنار گذاشته‌اند، ما جزء این کسان نبودیم و چشم به کرم و احسان مولایمان دوخته‌ایم که با لطفش و نه به خاطر استحقاق ما - که استحقاقی در کار نیست - ما را بپذیرد.

۴ - دعا برای امام زمان علیه السلام به انگیزه تعظیم و بزرگداشت ایشان

قطعاً بزرگداشت امام زمان علیه السلام از این بزرگوار از بهترین مصادیق عبادت و بندگی خدا شمرده می‌شود. توجه داشته باشیم که همه عالم محضر امام عصر علیه السلام است و همان‌طور که دعا برای بزرگان، وقتی در

۱. ترجمه‌ی مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۹۹.

فصل ۵: انگیزه‌ها و محتوای دعا برای امام زمان علیه السلام * ۱۰۷

محضرشان باشیم، مصداق بزرگداشت و اظهار فروتنی نسبت به آنان است، دعا در حق امام زمان علیه السلام هم از مصادیق تعظیم ایشان است و مؤمن در هر مکان و موقعیتی باید در انجام این امر مقدس بکوشد.

امام زمان علیه السلام هر چند که پنهان هستند، ولی بر همهٔ خلایق در هر جای عالم، شاهد و ناظر هستند. شرق و غرب عالم، محضر امام عصر علیه السلام است و احاطهٔ ایشان بر انسان‌ها و اعمالشان مسلم و قطعی است و کسی که به این واقعیت یقین پیدا کند، به انگیزهٔ بزرگداشت ایشان، در حقشان دعا می‌کند. امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند:

جز این نیست که جایگاه امام در زمین، به منزلهٔ ماه در آسمان است. او در جایگاه خود از همهٔ اشیاء مطلع و آگاه است.^۱

۵ - دعا در حق ولی عصر علیه السلام در پاسخ به التماس دعای ایشان

مرحوم شیخ صدوق نقل فرموده است: کسی از امام صادق علیه السلام می‌پرسد:

شخصی در نماز واجب، خود را با تکلف، به گریه می‌آورد تا اینکه گریه‌اش می‌گیرد. آن حضرت می‌فرمایند:

قسم به خدا، این روشنایی چشم است... اگر چنین شد، مرا در آن حال یاد کن.^۲

امام معصوم علیه السلام خود از شیعه‌اش می‌خواهد که در حالات معنوی، به یاد ایشان باشد و قطعاً یکی از آثار و نشانه‌های یاد کردن امام زمان علیه السلام دعا کردن در حق ایشان است.

۱. بصائر الدرجات، جزء ۹، باب ۱۲، ح ۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۵۰، باب ۵، ح ۱.

برخی مضامین دعا برای امام عصر علیه السلام

آنچه در دعاهای ماثور (صادر شده از معصومین علیهم السلام) درباره امام زمان علیه السلام آمده، نشان می‌دهد که انواع دعا در حق ایشان با مضامین متنوع و مختلف، مطلوب و محبوب خداوند است؛ از جمله:

۱ - دعا برای رفع شرور از امام زمان علیه السلام

یکی از این دعاها دعایی است که امام رضا علیه السلام به یونس بن عبدالرحمن آموخته‌اند و امر فرموده‌اند که در حق حضرت ولی عصر علیه السلام خوانده شود.

دعا با جمله «اللهم اذفع عن وليك و خليفتك...» آغاز می‌شود و اولین درخواست در آن، دفع شرور از وجود مقدس آن عزیز و مصون ماندنش از اقسام بلا است.

۲ - دعا در جهت حفظ امام علیه السلام

در ادامه همان دعا به زبان دیگری، برای حضرت مهدی علیه السلام طلب عافیت می‌شود:

وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ
مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ ...

معنای این عبارت این است که خداوند امام علیه السلام را از پیش رو و پشت سر و چپ و راست و بالا و پایین، حفظ فرماید. در واقع، سلامت و عافیت کامل آن حضرت را از هر گزند و هر آفتی، طلب می‌کنیم. این دعا فقط برای حفظ جسمانی و مادی نیست؛ بلکه شامل حفظ شئون معنوی و مقامات الهی ایشان هم می‌گردد؛ لذا این گونه

ادامه می‌دهیم.

وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُوْلَكَ وَاَبَاءَهُ اَيْمَتَكَ وِدَعَائِمَ دِيْنِكَ ...

منظور این است که ایشان وارث حقیقی و جامع همه کمالات پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینانشان هستند و ما از خدا می‌خواهیم که شئون آن بزرگواران را در این تنها باقی مانده‌ی خاندان عصمت و طهارت، حفظ فرماید. جنبه‌ی دیگر در دعا برای حفظ امام زمان علیه السلام این است که خداوند وجود مقدس آن حضرت را برای تحمّل بار سنگین مسئولیت و رسالتشان، در حال غیبت و ظهور، حفظ فرماید.

۳ - دعا برای دوستان و به زیان دشمنان امام علیه السلام

وَ وَاِلِ مَنْ وَاِلَاهُ وَاَعَادِ مَنْ عَادَاهُ.

وقتی خدا دوستان آن را دوست بدارد و آنها را در جهت پیشبرد اهداف مقدس و لیش یاری فرماید، در حقیقت، خود امام علیه السلام را یاری فرموده و همچنین وقتی دشمنان آن حضرت را خوار و ذلیل کند در واقع، شرّ آنان را از وجود امام علیه السلام دور کرده است.

۴ - دعا برای شادی امام علیه السلام به خاطر رعیتش

یکی از بخشهای دعا «اللَّهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَاَهْلِهِ وَاَوْلَادِهِ وَاَزْوَاجِهِ وَاُمَّتِهِ وَاُمَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَاَتَسُرُّ بِهِ نَفْسُهُ» است.

این دعا هم بهترین دعا در حق نزدیکان و فرزندان و امت امام علیه السلام است و هم طلب یکی از بهترین خیرات برای خود آن عزیز. اگر امام عصر علیه السلام به چیزی در مورد یکی از فرزندان و یا رعیتش خوشحال شود، قطعاً آن چیز به خیر و صلاح او نیز است. پس یکی از بهترین

دعاها در حقّ امام زمان علیه السلام همین است که هم طلب خیر و صلاح برای
آحاد امت است و هم اجابت آن موجب خوشحالی و سرور امام علیه السلام
می‌گردد.

۵ - دعا برای تعجیل فرج امام علیه السلام

در همین دعای شریف، علاوه بر چهار عنوان گذشته، عبارات
متعددی هست که در هر کدام، به زبانی، تعجیل فرج امام عصر علیه السلام
درخواست شده است:

اللَّهُمَّ ... أَمِّتْ بِهِ الْجَوْرَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ ... وَ أَبْرِ بِهِ الْكَافِرِينَ
وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا
وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَّاراً وَ لَا تُبْقِيَ
لَهُمْ آثَاراً.^۱

در این دعا، فرج نهایی امام زمان علیه السلام را درخواست می‌کنیم که
بالاترین و کامل‌ترین تقاضایی است که از خداوند در حقّ امام
زمان علیه السلام می‌شود.

فصل ۶

ضرورت دعا
برای تکمیل فرج امام عصر علیه السلام

ضرورت دعا برای تعجیل فرج را از دو جهت می‌توان اثبات کنیم:
یکی برای رفع بلای غیبت امام علیه السلام و دوم از جهت اطاعت امر ایشان به
کثرت دعا برای تعجیل فرج.

الف) رفع بلای غیبت به وسیله دعا

تذکر به بلا و مصیبت غیبت

غیبت امام زمان علیه السلام از بلاها و گرفتاریهایی است که خداوند به
وسیله آن مردم زمان غیبت را می‌آزماید. اگر بخواهیم در این امتحان
موفق و سربلند باشیم، باید ابتدا درد و رنج این مصیبت را دریابیم؛ زیرا
کسی که به مصیبتی دچار می‌شود، اگر درد آن را احساس نکند، به فکر
چاره نمی‌افتد و به دنبال راه نجات نمی‌گردد؛ اما هر قدر عمق مصیبت
را بیشتر درک کند، تلاش بیشتری برای خلاصی از آن انجام می‌دهد و
یکی از کارسازترین وسایل برای رفع گرفتاریها دعاست.

یکی از حکمت‌های خداوند در گرفتار کردن بندگانش به بلا و سختی این است که به تضرع در پیشگاه خدا بیفتند. آری، تا ما دست به دعا بلند نکنیم و پایان غیبت امام عصر علیه السلام را از خداوند نخواهیم، مورد اعتنای او قرار نمی‌گیریم و اگر بندگان چنین نکنند، مورد مؤاخذه خداوند قرار خواهند گرفت.

احساس نیاز به دعا برای تعجیل فرج

احساس نیاز به دعا وقتی پیدا می‌شود که انسان شدت و سختی بلا را بیشتر احساس کند و این احساس هر قدر قوی‌تر شود، کم و کیف دعای انسان هم بهتر می‌شود؛ البته به شرطی که آدمی به کارگشایی و تأثیر دعا برای رفع بلا عقیده داشته باشد. پس اگر می‌خواهیم اهل دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام شویم، باید اولاً درد غیبت را بچشیم و ثانیاً یقین داشته باشیم که دعای ما به پیشگاه خداوند فرج آن حضرت را نزدیک می‌کند.

سستی نکردن در مورد این دعا

امام هشتم علیه السلام می‌فرماید:

مؤمن وقتی گرفتار می‌شود، سست نمی‌گردد.^۱

مؤمن در وقت گرفتاری، سستی نشان نمی‌دهد. او می‌داند که نباید از دعا به پیشگاه خدا خسته و ملول گردد. به همین سبب، در دعایش جدّ و جهد می‌کند تا حاجتش که فرج مولایش است، را محقق ببیند.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۶۷، ح ۱.

اطمینان به نزدیک شدن ظهور

اگر انسان در هنگام بلا به فکر دعا بیفتد، می تواند مطمئن شود که باب اجابت باز شده و رفع بلا نزدیک است؛ برعکس، اگر در دعا کردن کوتاهی کند، باید از طولانی شدن بلا بترسد.

در مورد بلای غیبت، از میزان اهتمام یا عدم اهتمام مؤمنان در دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام می توانیم به زود یا دیر بودن آن پی ببریم. اگر اهل ایمان به تکاپو افتند و از دل و جان، دست به دعا بلند کنند، می توانیم به نزدیک بودن ظهور امام عزیزمان دلگرم شویم و اگر مشاهده کردیم که عنایت کافی به دعا برای تعجیل فرج نمی شود، باید خود را برای طولانی تر شدن غیبت اماممان آماده کنیم.

امام صادق فرموده اند:

... هرگاه هنگام بلا به کسی الهام شد که دعا کند، بدانید که زمان آن بلا کوتاه است.^۱

یقین به اجابت دعای تعجیل فرج

یکی از مهم ترین شرایط برای اجابت دعا این است که انسان به تأثیر عمیق دعا در رفع بلا یقین داشته باشد و آن را به تعبیر امام صادق علیه السلام از سر نیزه تیز کاری تر بداند:

دعا از سر نیزه تیز کاری تر است.^۲

حال، آیا ما در زمان غیبت مولا ایمان با چنین اعتقادی برای تعجیل فرج دعا می کنیم؟

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الهام الدعاء، ح ۱.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أن الدعاء سلاح المؤمن، ح ۷.

اعتقاد دیگری که تأثیر عمیقی در روی آوردن ما به دعای واقعی با همه شرایط لازمش دارد، این است که بدانیم با شروع و استمرار در دعا، خداوند جریان اجابت آن را به راه می‌اندازد و ما نباید از دعا کردن خسته و ملول شویم یا دچار استعجال گردیم.

احتمال دیگری که در اجابت همه دعاها هست، تأخیر آن از زمان مورد انتظار است. گاهی دعای انسان مستجاب می‌گردد، ولی اثر آن را سالها بعد می‌بیند. بنابراین، ممکن است دعایی که الآن برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام می‌شود، مستجاب شود؛ ولی اثر آن را سالها بعد ببیند. (مانند دعای حضرت نوح)

اگر انسان دعایش را مستجاب ببیند، با اعتقاد و عمق بیشتری به دعا کردن می‌پردازد.

تأثیر اعتقاد به خدایی بودن امر ظهور در کیفیت دعا برای آن

فرج کلی و نهایی امام زمان علیه السلام هیچ‌گونه پیش شرط بشری ندارد و امر ظهور ایشان، بیش از هر کار دیگری، خدایی است؛ نه بشری.

پس در این دعای خاص، حال «انقطاع إلى الله» می‌تواند بسیار زیاد باشد و این به معنی کم اهمیت دانستن سایر وظایف دستداران آن حضرت در زمان غیبت نیست؛ بلکه برای بالا بردن اهتمام ایشان در وظیفه دعا برای تعجیل فرج است.

ب) اطاعت امر امام علیه السلام به کثرت دعا

ائمّه علیهم السلام با لحن اکیدی به دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام سفارش فرموده‌اند. خود آن حضرت علیه السلام نیز در توقیع شریفشان

این گونه فرموده‌اند:

برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید؛ زیرا آن فرج شماست.^۱

در معنای دقیق این عبارت، سه احتمال وجود دارد:

۱. برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید؛ چون با فرج ایشان، فرج همه

اهل ایمان محقق می‌شود.

۲. دعا کردن برای تعجیل فرج، فرج شماست.

۳. زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج، فرج شماست.

بنابراین، از کل عبارت چنین برداشت می‌شود که: زیاد دعا کردن

برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام فرج شما خواهد بود.

امام زمان علیه السلام در این سخن به دعای کم، رضایت نداده و به اکثر آن

دستور فرموده‌اند. وقتی کثرت کاری محبوب باشد، قطعاً آن کار عبادت

بسیار بزرگ و با برکتی است و اگر کسی از زیاد انجام دادن آن معذور یا

محروم است، نباید از اصل و مقدار کم آن دریغ ورزد.

با این همه تأکید بر دعا برای تعجیل فرج، حداقل این است که مؤمن

نسبت به آن، حالت بی تفاوتی و بی‌اعتنایی نداشته باشد و آن را یکی از

برنامه‌های جدی زندگی‌اش قرار دهد. کم یا زیاد آن به میزان معرفت و

درجه‌ی ایمانش مربوط می‌شود.

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴، و کمال الدین، باب ۴۵، ح ۴.

فصل ۷

آثار و فوائد دعا
در حق حضرت ولی عصر علیہ السلام

در ابتدای این قسمت لازم است به دو مقدمه اشاره کنیم:

مقدمه اول: عدم احتیاج امام زمان علیه السلام به دعاهای ما

فایده دعای ما برای امام زمان علیه السلام هرگز نیاز ایشان به دعای ما را ثابت نمی‌کند. امام عصر علیه السلام برای رسیدن به کمالات نیازمند خداوندند، نه ما. خداوند می‌تواند از راههای مختلفی حجت خود را به کمال برساند. یکی از این راهها این است که خداوند دعای ما را مقدمه و به عبارتی، بهانه می‌کند و آن را زمینه اعطای آن کمال به امام قرار می‌دهد. وجود این بهانه برای خودمان مفید است؛ چرا که خداوند می‌تواند بدون واسطه یا از طریق دیگر، امام را به کمالات بالاتری برساند.

مقدمه دوم: فایده بخش بودن دعای ما در حق امام علیه السلام

به برکت خود ایشان

مفید بودن دعای ما در حق مولا منافاتی با واسطه فیض بودن ایشان ندارد. همه کمالات به واسطه ایشان برای ما حاصل می‌شود. حتی دعاهای ما در حق ایشان هم به برکت خودشان مستجاب می‌شود.

خداوند دعا‌های ما را در حق آن بزرگوار، به خاطر محبتی که به ایشان دارد، مستجاب می‌فرماید؛ هر چند که ما شرایط لازم را برای اینکه دعایمان به هدف اجابت برسد نداشته باشیم.

در واقع، ما با دعا کردن، خودمان فایده می‌بریم و بهانه‌ای برای عنایت خداوند به حجت بی‌ظیرش می‌شویم. همین بهانه هم لطف و عنایتی است که به برکت و وساطت امام زمان علیه السلام نصیب ما می‌شود. در حقیقت، خود امام بر ما منت می‌گذارند که اجازه دعا بر ایشان را به ما می‌دهند و خداوند متعال دعای ما را بهانه رساندن آن حضرت به کمالات بالاتری قرار می‌دهد. این کار خدا فوایدی دارد از جمله اینکه می‌خواهد از این طریق، خیری به دعاکننده برسد و همه اینها به واسطه «واسطه فیض» یعنی امام عصر علیه السلام صورت می‌گیرد.

بنابراین دعا‌های ما در حق مولا یمان به دو گونه می‌تواند فایده داشته باشد: یکی آثار و نتایجی که به مولا یمان می‌رسد و دیگری آنچه نصیب ما می‌شود.

الف) فوائد دعا‌های ما برای امام عصر علیه السلام

۱- رفع و دفع بلا یا از امام عصر علیه السلام به دعای ما

امامان علیهم السلام به مقتضای بشر بودنشان، یک سری ناراحتیها و رنجها و غصه‌ها را متحمل می‌شوند و به سبب آنها گرفتاری پیدا می‌کنند. خداوند برای رفع انواع گرفتاریها، اسباب و وسائلی قرار داده که ائمه علیهم السلام هم خود به آنها متوسل می‌شدند و هم برای دیگران، رجوع به اسباب را توصیه می‌فرمودند. (مثلاً برای رفع بیماری، هم معالجات

پزشکی مؤثر است و هم دعا و ائمه علیهم السلام هر دو کار را تجویز می فرمودند و خودشان هم بر همین روال عمل می کردند).
پس دعاهای ما می تواند در رفع بلا یا و گرفتاری های امام زمان علیه السلام مؤثر باشد.

هر مؤمنی به اندازه عشق و علاقه ای که به مولایش دارد، از ناراحتی ایشان ناراحت می شود و برای رفع آلام ایشان یا حداقل تسکین و کاستن از آنها تلاش می کند.

آنچه همه دردها و رنجهای امامان را یکجا بر طرف می کند، مژده ظهور ایشان از جانب خداوند است. بنابراین، بهترین دعایی که برای رفع همه گرفتاری های حضرتش می توانیم بکنیم، دعا برای تعجیل فرج آن بزرگوار است.

۲ - بالا رفتن مقام امام زمان علیه السلام به دعای ما

فضل و رحمت خداوند به امام علیه السلام حد و سقف معینی جز خواست خود خدا ندارد؛ یعنی افاضه کمالات از طرف خدا به امام علیه السلام محدودیتی ندارد. از جانب امام علیه السلام نیز محدودیتی برای پذیرش کمالات خدادادی نیست و قبول امام علیه السلام نسبت به کمالات سقف معینی ندارد. پس هر قدر مقام امام عصر علیه السلام نزد خداوند بالا رود، باز هم می تواند بالاتر برود و مرتبه تقرّب ایشان نزد پروردگار به هیچ چیز جز مشیت و اراده خدا منوط نیست و ما چون امامان را دوست داریم، تقرّب بیشتر ایشان را در پیشگاه الهی طلب می کنیم. دعاها (و صلوات ما) در حق امام زمان علیه السلام مقام ایشان را نزد خدا بالا و بالاتر می برد.

۳ - جلو افتادن ظهور امام علیه السلام به دعای ما

بنابر روایات معصومان، وقت ظهور امام زمان علیه السلام ممکن است با دعای منتظران جلو بیفتد یا با عدم دعای آنان به تأخیر افتد. شفاف‌ترین حدیث در این موضوع، روایتی از امام صادق علیه السلام است که خداوند برای فرزندان حضرت ابراهیم از نسل ساره (بنی اسرائیل) چنین مقدر کرده بود که مدت ۴۰۰ سال در رنج باشند؛ اما آنان با صبح زدن و گریستن به درگاه خدا توانستند ۱۷۰ سال از آن مدت را کم کنند.

ب) فایده دعا در حق امام زمان علیه السلام برای دعاکننده

البته ناگفته نماند که دعا برای آن عزیز منتظر، در زندگی ما منشأ خیرات فراوانی است که در منابع معتبر شیعی به آنها پرداخته شده است. شاید بتوان گفت کامل‌ترین این منابع کتاب شریف «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم» اثر عالم جلیل القدر «مرحوم میرزا محمدتقی اصفهانی» است.

مانیز در پایان این بحث، به قصد تیمن و تبرک، با استفاده از این کتاب، فهرست‌وار، به برخی از آثار و فواید دعا برای حضرت حجت علیهم السلام اشاره می‌کنیم:

- ۱- سبب زیاد شدن نعمتهاست.
- ۲- مایه ناراحتی شیطان لعین است.
- ۳- سبب نجات یافتن از فتنه‌های آخرالزمان است.
- ۴- اداء قسمتی از حقوق آن حضرت می‌باشد که اداء حق هر صاحب حقی واجب‌ترین امور است.
- ۵- تعظیم خداوند و دین خداوند است.

فصل ۷: آثار و فوائد دعا در حق حضرت ولی عصر علیه السلام * ۱۲۵

۶- حضرت صاحب الزمان علیه السلام در حق چنین دعاکننده‌ای دعا می‌کند.

۷- شفاعت آن حضرت در قیامت شامل حال او می‌شود.

۸- شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و آله - ان شاء الله - شامل حالش می‌شود.

۹- این دعا اطاعت امر الهی و طلب فضل و عنایت اوست.

۱۰- مایه استجابت دعا می‌شود.

۱۱- اداء اجر رسالت است.

۱۲- مایه دفع بلا می‌شود.

۱۳- سبب وسعت روزی است.

۱۴- باعث آمرزش گناهان می‌شود.

۱۵- توفیق تشرف به دیدار آن حضرت را در بیداری یا خواب،

نصیب انسان می‌کند.

۱۶- اسباب رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت است.

۱۷- دعاکننده برای امام عصر علیه السلام از برادران پیغمبر صلی الله علیه و آله خواهد

بود.

۱۸- این دعا موجب تعجیل در فرج حضرت می‌شود.

۱۹- پیروی از پیغمبر و امامان علیهم السلام خواهد بود.

۲۰- وفا به عهد و پیمان خداوندی است.

۲۱- آثار نیکی به والدین برای دعاکننده حاصل می‌گردد.

۲۲- موجب زیاد شدن اشراق نور امام علیه السلام در دل او می‌شود.

۲۳- سبب طولانی شدن عمر است.

۲۴- تعاون و همکاری در کارهای نیک و تقوا محسوب می‌شود.

- ۲۵- چنین دعاکننده‌ای از عقوبت‌های اخروی - ان شاء الله - در امان می‌ماند.
- ۲۶- هنگام مرگ به او مژده می‌رسد و با او به نرمی، رفتار می‌شود.
- ۲۷- وی محبوب‌ترین افراد نزد خداوند خواهد بود.
- ۲۸- عزیزترین و گرامی‌ترین افراد نزد پیغمبر ﷺ می‌شود.
- ۲۹- ان شاء الله از اهل بهشت خواهد شد.
- ۳۰- کردارهای بد او به کردارهای نیک مبدل شود.
- ۳۱- خداوند متعال در عبادت، او را تأیید فرماید.
- ۳۲- ان شاء الله با این دعا، عقوبت از اهل زمین دور می‌شود.
- ۳۳- این دعا، پاداش کمک به مظلوم را دارد.
- ۳۴- نور چنین دعاکننده‌ای برای دیگران نیز - روز قیامت - درخشان می‌گردد.
- ۳۵- هفتاد هزار نفر از گناهکاران را شفاعت می‌کند.
- ۳۶- مشمول دعای امیرالمؤمنین علیه السلام تا روز قیامت می‌شود.
- ۳۷- موجب در امان بودن از تشنگی روز قیامت است.
- ۳۸- این دعا سبب جاودان بودن در بهشت است.
- ۳۹- مایه خراش روی ابلیس و مجروح شدن دل اوست.
- ۴۰- چنین دعاکننده‌ای روز قیامت، هدیه‌های ویژه‌ای دریافت می‌کند.
- ۴۱- خداوند عزّ و جلّ از خدمتگزاران بهشت نصیبش فرماید.
- ۴۲- در سایه گسترده خداوند قرار می‌گیرد و - مادامی که مشغول آن دعا باشد - رحمت بر او نازل می‌شود.

فصل ۷: آثار و فوائد دعا در حق حضرت ولی عصر علیه السلام * ۱۲۷

۴۳- مجلسی که در آن برای حضرت قائم - عجل الله فرجه - دعا شود، محل حضور فرشتگان گردد.

۴۴- دعا کننده مورد مباحات خداوند می شود.

۴۵- فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند.

۴۶- مایه خرسندی خداوند عز و جل می شود.

۴۷- مایه خشنودی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می گردد.

۴۸- این دعا خوشایندترین اعمال نزد خداوند است.

۴۹- از کسانی خواهد بود که خداوند در بهشت به او حکومت دهد.

۵۰- حساب قیامت بر او آسان می شود.

۵۱- این دعا در عالم برزخ و قیامت، مونس مهربانی برای آدمی

خواهد بود.

۵۲- این عمل بهترین اعمال است.

۵۳- باعث دوری غصه ها می شود.

۵۴- دعا در هنگام غیبت، بهتر از دعای هنگام ظهور امام علیه السلام است.

۵۵- فرشتگان برای چنین دعا کننده ای دعا می کنند.

۵۶- این دعا سبب کامل شدن ایمان است.

۵۷- تعظیم شعائر خداوند است.

۵۸- برای این دعا کننده ثواب کسی است که همراه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

شهادت شده است.

۵۹- ثواب کسی را دارد که زیر پرچم حضرت قائم علیه السلام شهید شود.

۶۰- پاداش احسان به مولای ما حضرت صاحب الزمان - عجل الله

فرجه - را دارد.

۶۱- در میان گروه ائمه اطهار علیهم السلام محشور می شود.

۶۲- درجات او در بهشت بالا می رود.

۶۳- از بدی حساب در روز قیامت، در امان ماند.

۶۴- موجب نائل شدن به بالاترین درجات شهدا در روز قیامت

است.

۶۵- سبب رستگاری به شفاعت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.^۱

فصل ۸

چگونگی دعا برای امام محمد علیه السلام مدی

از مهمترین آداب دعا برای امام عصر علیه السلام به ۱۰ عنوان بسنده می‌کنیم:

۱ - یأس کامل از خلق

اولین شرطی که به عنوان یک ادب قلبی در دعا به پیشگاه الهی مطرح شد، ناامیدی از خلق خداست. طبق آیات و روایات، ظهور امام عصر علیه السلام و تحقق وعده‌های الهی در آن زمان، یک کار خدایی و غیربشری خواهد بود و اگر انسان به این امر باور عمیق پیدا کند، خود به خود، برای آنچه به عنوان ادای تکلیف در زمان غیبت انجام می‌دهد، با وجود اهمّیت و لزوم آن، حسابی باز نمی‌کند و بر آن اتکایی نخواهد داشت. او در هنگام دعا برای تعجیل فرج، حال غریقی را دارد که هیچ فریادرسی برای خود نمی‌شناسد^۱ و امیدی به هیچ چیز و هیچ کس جز خدا نمی‌بندد. این گونه دعا کردن برای تعجیل فرج، حال

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۴، ح ۱۱.

خاصی در فرد ایجاد می‌کند که همین، شرایط بهتری را برای اجابت دعا فراهم می‌آورد. به عنوان مثال، دو نفر با دو نوع رتبه علمی، می‌خواهند کنکور بدهند. اولی از سطح علمی بالایی برخوردار است و طبیعتاً خود و دیگران انتظار رتبه بالایی از او دارند؛ ولی دومی از پایه علمی بالایی برخوردار نیست و طبیعی است به روال عادی، انتظار کسب رتبه بالایی در کنکور ندارد. این دو فرد ممکن است برای قبولی در کنکور و کسب رتبه خوب دعا کنند. لیکن حال اولی با دومی متفاوت است. اولی با اتکا به علم و دانش خود شاید خود را خیلی نیازمند دعا نبیند؛ ولی دومی حسابی برای خود و تلاشهایش باز نمی‌کند و کسب رتبه خوب در کنکور را یک کار خدایی می‌بیند و با حال انقطاع بیشتری دعا می‌کند.

۲ - اقبال قلبی در دعا

منظور از اقبال قلبی این است که وقتی انسان چیزی را به زبان از خداوند طلب می‌کند، با روح و قلب خود نیز همان را بخواهد.

اولین عامل مؤثر در اقبال قلبی: مهم بودن تعجیل فرج امام عصر علیه السلام برای دعا کننده است.

برای اینکه بینم تعجیل فرج امام عصر علیه السلام برای ما یک امر مهم و اساسی به شمار می‌آید یا نه، باید آن را با امور دیگری که در زندگی برایمان اهمیت دارد، مقایسه کنیم (مثلاً گرفتاریهای شغلی). اگر غیبت طولانی امام عصر علیه السلام نصف یا حتی ثلث اندازه‌ای که گرفتاری شغلی مان ناراحتمان می‌کند، پریشانمان کرده باشد، طبیعتاً در دعا برای رفع غیبت آن حضرت تا حدی توجه و اقبال خواهیم داشت و اگر چنین نباشد، باید فکر دیگری به حال خود کنیم.

دومین عامل مؤثر در اقبال قلبی: اعتقاد عمیق به تأثیر دعا در تعجیل فرج امام زمان علیه السلام است.

کسی که باور چندانی به تأثیر دعا در جلو انداختن ظهور آن حضرت ندارد، به طور طبیعی، اقبال چندانی برای دعا، برای تعجیل فرج ندارد. اگر کسی برای دعا نقش تعیین کننده و اصلی قائل باشد، خواه ناخواه، هنگام دعا روح و روانش متوجه آن است و هرگز با قلب بی توجه یا غافل زیان به دعا برای تعجیل فرج نمی گشاید.

کسی که بیماری دارد و به دنبال معالجه اوست، عوامل مختلف مؤثر در درمان او را می جوید و در میان آنها هر یک را که مؤثرتر بداند، با توجه و تلاش بیشتری، دنبال می کند. هر قدر اعتقادش به پزشک معالج و تشخیص و درمان او عمیق تر باشد، با اقبال قلبی کامل تری به نسخه پزشک دل می دهد و به آن عمل می کند. حال اگر همین اعتمادی که به تأثیر درمان پزشک دارد، به دعا برای شفای بیمارش داشته باشد، همان قدر اقبال قلبی را در دعاهایش برای بهبودی آن بیمار خواهد داشت. اگر اعتماد به تأثیر دعا در شفای بیمار ضعیف شود، اقبال قلبی او در هنگام دعا کمتر، و اگر این باور قوی گردد، آن اقبال قلبی هم بیشتر خواهد شد.

۳ - رقت قلب

ائمه علیهم السلام به این حقیقت تذکر داده اند که قلب انسان همیشه در یک حال نیست؛ گاهی حال رقت دارد و گاهی حال قساوت. اما حتی کسانی که عموماً و در بیشتر اوقات رقت قلب ندارند، گاهی پیش می آید که دلشان می شکنند و رقت قلب را تجربه می کنند.

بنابراین، هرکسی، در زمانهایی، رقت قلب دارد که اگر قدر آن را بداند، می‌تواند در همان حال، برای تعجیل فرج مولای غریبش دعا کند. انسانها از جهت رقت قلب برای امام زمان علیه السلام و دعا برای فرج ایشان مختلف‌اند. گروهی چنان ارتباط روحی قوی با امامشان دارند که کمترین سخنی از گرفتاریهای آن حضرت، دلشان نرم و رقیق می‌شود. اینها مشکل چندانی برای به دست آوردن رقت قلب و دعا برای امام زمانشان ندارند.

گروهی دیگر تعلقاتی در زندگی دارند که با یادآوری آنها یا از دست دادن آن تعلقات، به رقت قلب می‌افتند. گروهی دیگر یا حتی همان دسته، به خاطر حبّ و علاقه به اهل بیت علیهم السلام در جشنها و یا در مصائب آنها دلشان به رقت می‌آید.

چه خوب است شیعیان از این نکته غافل نباشند و از حال و هوای معنوی خود بهره ببرند و برای جلو انداختن ظهور امام عصر علیه السلام دعا کنند. به خصوص اگر در مجلسی ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام به میان آمد، حتماً به دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام منتهی گردد.

۴ - تحصیل تقوا و تهذیب نفس

یکی از شرایط لازم برای اجابت دعا، تقوای دعاکننده و پاک بودن نفس او از آلودگی گناهان است. برخی از روی نادانی، چنین می‌پندارند که ارتباطی بین اجابت دعاهایشان با سلامت و پاکی قلبشان وجود ندارد و ممکن نمی‌دانند که به سبب ارتکاب برخی گناهانشان، دعاهایشان در حقّ مولایشان بی‌فایده باشد. گاهی نه تنها دعاکننده اهل ورع و پرهیز از گناهان نیست، بلکه هنگام دعا برای امام زمان علیه السلام هم

نعمت خداوند (وجود مقدّس حضرت ولیّ عصر علیه السلام) می باشد که این عدم معرفت - که نتیجه اش ادا نکردن شکر قلبی است - به مراتب بعدی شکرگزاری، یعنی شکر زبانی و عملی هم آسیب جدّی می زند؛ چون روح این دو رتبه، همان شکرگزاری قلبی کردن است.

۷ - الحاح و اصرار و دوری از سستی

خداوند می خواهد که بندگانش بر در خانه ی او اصرار ورزند و از گدایی خسته نشوند. ممکن است چیزی را از خدا بخواهیم و خواسته ما برآورده نشود؛ اما ممکن است اگر در مورد آن اصرار ورزیم، حاجتمان داده شود. البتّه همان طور که اصل دعا کردن حال و انگیزه می خواهد، اصرار و الحاح در آن هم معمولاً برخاسته از حال و انگیزه درونی دعا کننده است.

عوامل مؤثر در پیدایش حالت اصرار در دعا

عواملی بر اصرار شخص در دعا مؤثر است. یکی از آنها مهم بودن آن چیز است. اگر رسیدن به خیری برای انسان مهم باشد، بدون نیاز به توصیه و سفارش، خود به خود، بر آن اصرار می ورزد. عامل دیگری که در اصرار مؤثر است، اعتماد دعا کننده به تأثیر اصرار در تحقّق خواسته اش می باشد.

در دعا برای فرج امام زمان هم باید به این دو نکته توجه داشته باشیم؛ یکی اینکه ظهور امام عصر علیه السلام برای ما مهم باشد و دیگر اینکه اصرار خود را در دعا مؤثر بدانیم.

تحقّق عامل اول به میزان معرفت ما به مقام آن حضرت نزد

خداوند بستگی دارد. هر چه معرفت ما به ایشان بیشتر شود، اهمّیت ظهور و فرج امام زمان علیه السلام برای ما بیشتر می شود و همین باعث اصرار ما در دعا بر فرج ایشان می گردد.

برای تحقّق عامل دوم، باید آیات و روایات مربوط به تأثیر اصرار در دعا و اجابت زودتر را مطالعه کنیم.

شیوه‌های اصرار در دعا

۱ - اصرار در کمیت دعا

تکرار دعا در مکان‌ها و زمان‌ها و شرایط مختلف. این جنبه‌ی اصرار، به کمیت و تعداد دعاها مربوط می شود. ساده‌ترین مثال که برای این نوع اصرار در دعا برای تعجیل فرج می توان ذکر کرد، دعای صلوات به پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام همراه با درخواست فرج برای ایشان و لعن دشمنان ایشان است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ الْعَنِ
أَعْدَائَهُمْ.

۲ - اصرار در کیفیت دعا

جنبه‌ی دوم به کیفیت دعا کردن انسان بر می گردد. به طور کلی خواسته‌های مادی و دنیوی را صرف نظر از ابعاد معنوی و اخروی آن، نمی توان و نباید با چنین اصراری از خدا طلب کرد. چون ممکن است خیر دعاکننده در تحقّق آن نباشد. اما در اموری مثل تعجیل در فرج امام عصر علیه السلام که محبوب خدا و اولیای اوست، اصرار و الحاح ورزیدن

مطلوب و پسندیده است. البته باید توجه داشته باشیم که اصرار کردن در مورد آن نباید همراه با تعیین ضرب الاجل قطعی باشد. از نشانه‌های کیفیت بالا در اصرار، دو مورد ذیل است:

الف: قسم دادن خدا در دعا

ب: متوسل شدن به آبرومندان درگاه خدا (در این زمینه می‌توانید به دعای عبرات رجوع کنید)^۱

۸ - بکاء، ضجّه، تضرّع و ابتهال

یکی از آداب مؤثر در اجابت دعا، داشتن حال گریه و ضجّه است. گریه معمولاً به صورت مصنوعی، ایجاد نمی‌شود و برای پیدایش این حالت، شخص باید قبل از هر چیز، دل را جلا و صفا دهد و رابطه قلبی خود را با امام زمان علیه السلام استحکام بخشد و محبت آن حضرت را در دل قوی سازد. هر عملی که موجب ازدیاد محبت به ایشان شود، حال گریه را در انسان تقویت می‌کند.

چگونگی پیدایش حال ضجّه و تضرّع

برخی زمینه‌سازیهایی که در مورد گریه برای حضرت ولی عصر بیان شد، اگر شدید شود، می‌تواند به ضجّه و تضرّع هم منتهی شود. از مؤثرترین راهها برای ایجاد این حال، تلاش برای بالا بودن معرفت و محبت به آن حضرت از طریق انجام وظایف و تکالیفی است

۱ - اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الالاحاح، ح ۴.

- غرر الحکم و درر الکلم، ح ۳۷۵۸.

- مناجات منتظرات، ج ۱، فصل ۵.

که یک منتظر فرج در زمان غیبت مولایش دارد. آشنایی با این وظایف و تکالیف خود یک وظیفه است. لذا مطالعه کتبی که در این زمینه تألیف شد، جزء وظایف منتظران است.

هر قدمی که شخص در این مسیر بر می‌دارد، باعث می‌شود قدم بعدی را با آگاهی بیشتری بردارد و هر چه با وظایف خود بیشتر آشنا می‌شود، خواهد دید که بر محبت و ارادتش به مولا افزوده می‌گردد و به آنجا خواهد رسید که حال بکاء و ضجّه در فراق محبوب، بدون هیچ تکلفی، برایش حاصل می‌شود.

۹ - دعا در حالات مختلفی که وعده اجابتش داده شده

در مورد بعضی افراد یا حالات خاصی از دعا کنندگان، به طور خاص، وعده اجابت دعا داده شده است. در اینجا به ده مورد از این شرایط اشاره می‌کنیم:

الف) دعای فرد مؤمن در حق برادر مؤمنش وقتی که به خاطر اهل بیت علیهم السلام به او مساعدت و کمکی کرده باشد. در این صورت، دعای خیر انسان برای برادر دینی‌اش که به او احسان کرده، مستجاب است. پس دعای مؤمن در حق خود اهل بیت علیهم السلام - که همه نیکیها و خیرات از ایشان به او رسیده - به طریق اولی، مستجاب خواهد بود و ما اگر برای امام عصر علیه السلام دعای خیر کنیم در حقیقت، برای همه اهل بیت علیهم السلام دعا کرده‌ایم.

ب) دعای دیگری که به فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام مردود نمی‌شود، دعای فرزند نیکوکار در حق پدرش است.^۱

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۴۲۳، ح ۴۰ به نقل از الارشاد مفید.

به تصریح احادیث، امام زمان علیه السلام پدر دلسوز و مهربان بر رعیت خود هستند.^۱ و حق ایشان بر فرزندان خود از حق هر پدر دیگری بر فرزندش، بیشتر و بالاتر است. حال اگر یکی از فرزندان در حق این پدر، احسان و نیکی کرده باشد، چه خوب است که متوجه این معنا باشد و از وعده اجابت دعا - که خدا به او داده - برای امام زمانش استفاده کند و این فرصت را خرج ایشان کند.

ج) دعای دیگری که وعده اجابتش داده شده، دعای عمره گزار (معتمر) و حج گزار (حاج) است.^۲

این دو مهمانان ویژه خدایند و باید بدانند که چه فرصتی برای دعا در حق مولایشان دارند و آن را صرف دعا برای ایشان کنند.

د) دعای دیگری که به فرموده امام هفتم علیه السلام رد نمی شود، دعای روزه دار در هنگام افطار است.^۳

کسی که یک روز را به خاطر اطاعت از امر خداوند روزه گرفته، در وقت افطار، پاداشتی از جانب پروردگارش دارد و آن اجابت دعایش است. چه زیباست که انسان قدرشناس این پاداش را تقدیم به مولای خود کند و برای تعجیل فرج ایشان دعا کند و قطعاً اگر این مولای مهربان ببیند که یکی از دوستانش جایزه دریافتی خود را به ایشان تقدیم کرد، بهترین پاداشها و جوایز را از خداوند برای این دوست خود طلب خواهد کرد.^۴

۱. اصول کافی کتاب الحجّة، ج ۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۵۴، ح ۱ به نقل از امالی صدوق.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۶۰، ح ۲۱ به نقل از الدعوات راوندی.

۴. بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱۷، ح ۱۰ به نقل از ثواب الاعمال.

ها) دعای فرد بیمار (به خصوص در حق کسی که به عیادت او می‌رود).^۱

خداوند به تلافی درد و رنجی که بیمار تحمل می‌کند، به او وعده استجاب دعا داده است. آیا وقتی بیمار می‌شویم، توجه داریم که فرصتی برای دعا در حق امام عصر علیه السلام را به دست آورده‌ایم؟ آیا می‌دانیم که طبق فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام هر مؤمنی که مریض می‌شود، امام زمانش هم به خاطر بیماری او بیمار می‌شوند؟^۲

حال که این پدر مهربان در بیماری فرزندش چنان رنجور می‌شود که خود بیمار می‌گردد، آیا رسم انسانیت و مروت نیست که آن فرزند در هنگام بیماری به فکر پدر و مولایش باشد و برای او دعا کند؛ به این امید که این دعا به آمین خود او مستجاب شود؟ با توجه به اینکه شفای بیماران صرفاً به برکت اهل بیت علیهم السلام و صدقه سر امام عصر علیه السلام صورت می‌پذیرد.^۳

و) یکی از دعاهایی که به اجابت آن وعده داده شده، دعا در غیاب برادر مؤمن است. امام باقر علیه السلام فرمودند که چنین دعایی از جانب پروردگار محجوب نمی‌ماند و هرکس پشت سر مؤمنی برای او دعا کند، از جانب خداوند به او خطاب می‌شود: «و مانند آنچه خواسته‌ای برای خودت است.»^۴

کدام برادر مؤمن را سراغ داریم که ایمانش از مولایمان بیشتر و

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۱.

۲. بصائر الدرجات، جزء ۵، باب ۱۶، ح ۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۹۵.

۴. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۲.

کامل تر و حقوقش بر ما بیشتر باشد؟ حیف است که از این فرصت برای دعا در حق بهترین برادر غایب خود حضرت ولی عصر علیه السلام استفاده نکنیم.

ز) از موارد دیگری که وعده اجابت دعا داده شده، وقتی است که به یک مؤمن فقیر کمک می شود. خداوند دعای آن نیازمند را مستجاب می سازد.^۱ با این ترتیب، هم مؤمن نیازمند و هم کسی که به او مساعدتی می کند، می توانند از این فرصت برای برآورده شدن حاجاتشان استفاده کنند.

ح) دعای کودکی از امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که هنوز به تکلیف نرسیده و مرکب گناه نشده است.^۲ بنابراین، ما می توانیم و باید که برای دعاهاى کودکان امت اسلام حساب باز کنیم و برای برآورده شدن هر حاجتی و در صدر همه تعجیل فرج مولا یمان از آنها بخواهیم دعا کنند. یا خود دعا کنیم و آنان آمین گویند.

ط) دعای مسافر.^۳ این فرصتی است که معمولاً بی هیچ زحمتی، برای انسان فراهم می شود و ما باید به آن توجه داشته باشیم و از آن برای دعا در حق امام زمان علیه السلام و تعجیل فرجشان استفاده کنیم.

ی) دعای قاری قرآن که به فرموده امام مجتبی علیه السلام مستجاب است یا سریع (عاجل) و یا در آینده (آجل).^۴

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۶۰، ح ۲۰، به نقل از الجواهر کراچکی.

۲. همان، ص ۳۵۷، ح ۱۴، به نقل از صحیفة الرضا علیه السلام.

۳. همان، ص ۳۵۸، ح ۱۷، به نقل از نوادر الراوندی.

۴. همان، ص ۳۱۳، ح ۱۷، به نقل از الدعوات راوندی.

۱۰ - نیابت از زندگان و مردگان

یکی از آدابی که رعایت آن در دعا برای حضرت ولی عصر علیه السلام تأثیر به‌سزایی در اجابت دارد، دعا به نیابت از اهل ایمان است. در نیابت از دیگری، فرقی بین زنده و مرده نیست و اگر از جانب تعداد زیادی نیابت کنیم، بهره و حظ هر یک، کمتر از وقتی که فقط از یک نفر نیابت کنیم، نمی‌شود. با این ترتیب، می‌توانیم بسیاری از عبادت‌های مستحبی خود، از جمله دعا را به نیابت از تعداد زیادی زن و مرد مؤمن انجام دهیم تا هم آنها را در عبادت خود شریک کنیم و هم به خاطر آبرویی که حداقل برخی از آنها نزد خداوند دارند، دعایمان زودتر به اجابت رسد.

پس اگر می‌خواهیم دعای ما برای مولایمان هم برای خودمان بیشتر فایده داشته باشد و هم خیر بیشتر به دیگران و خود امام عصر علیه السلام برساند، خوب است که در دعاهایمان دیگران را شریک کنیم و به نیابت از آنان دعا کنیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَ وَلِيِّكَ وَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً
نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَ تَنْصُرُهُ بِهَا وَ تَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

خدایا بر حجت و ولایت و قیام‌کننده در میان آفریدگانت، درود بفرست؛ درودی بالنده و پایدار که به سبب آن، در فرج ایشان، تعجیل فرمایی و یاری‌اش کنی و ما را در دنیا و آخرت با او همراه گردانی.

فصل ۹

دعای ماثور و غیر ماثور
برای امام زمان علیہ السلام

ایشان فرمودند:

بهترین دعا آن چیزی است که به زبانت جاری شود.^۱

ب - دعاهای مأثور

اولاً پرواضح است که هیچ کس در نحوه بندگی خدا و خواندن او نمی‌تواند از ائمه علیهم‌السلام سبقت بگیرد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند:

... فرشتگان به خاطر تسبیح ما، [خدا را] تسبیح کردند... پس به سبب ما به معرفت [توحید] خدای متعال و تسبیح و تهلیل و تحمید او هدایت شدند.^۲

ثانیاً فضایل و ثواب‌های زیادی برای ادعیه مأثور وارد شده است. پس می‌توان گفت دعاهای مأثور بر غیر مأثور، فضیلت دارد. حال برای آنکه این مطلب با قسمت قبل قابل جمع باشد باید بگویم بهترین دعاها، دعاهای مأثوری هستند که با توجه قلبی خوانده شوند.

اهتمام ائمه طاهرین علیهم‌السلام به دعا در حق امام عصر علیه‌السلام

در کتاب‌های روایی ما دعاهای بسیاری از ائمه علیهم‌السلام نقل شده که برای تعجیل در فرج امام زمان علیه‌السلام می‌باشد. هم‌چنین در عموم آنها سلام و صلوات بر آخرین حجّت الهی، فرستاده شده است. حال این سؤال پیش می‌آید که: دعا برای تعجیل فرج امام دوازدهم در زمان پیش از تولد ایشان چه معنایی دارد؟

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷۱، باب ۶۲، ح ۱. هم‌چنین مکیال المکارم، ج ۲، ص ۶۰.

۲. کمال الدین، باب ۲۳، ح ۴.

فصل ۹: دعای مأثور و غیر مأثور برای امام زمان علیه السلام * ۱۴۹

پاسخ این است که امامان پیشین با توجه به پیشگویی‌های پیامبر از طولانی شدن غیبت آخرین وصی و مشکلات مؤمنان آخر الزمان، برای تعجیل در فرج فرزندشان دعا می‌کردند. حتی خود امام عصر علیه السلام نیز از این قاعده مستثنی نیستند و برای فرج خودشان بارها دعا کرده‌اند.

گزیده‌ای از دعاهای مأثور در حق امام عصر علیه السلام

- ۱- دعا در قنوت نمازها.^۱
- ۲- دعا در قنوت نماز وتر.^۲
- ۳- دعا (اللهم اصلح...) در قنوت نماز جمعه.^۳
- ۴- دعا در حال سجده.^۴
- ۵- دعا در تعقیبات مشترکه نمازها.^۵
- ۶- دعا در تعقیب نماز ظهر.^۶
- ۷- دعا در تعقیب نماز عصر.^۷
- ۸- دعا در تعقیب نماز صبح و ظهر.^۸

۱. مهج الدعوات، ص ۱۵۰ و ۱۵۱، همان، ۱۵۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۹۸، ح ۶ به نقل از امالی صدوق.

۳. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۵۱، ح ۶۹ به نقل از المصباح.

۴. کمال الدین، باب ۴۲، ح ۲.

۵. مکیال المکارم، ج ۲، باب ۶، ص ۲ تا ۱۴، و نیز همان، ص ۷، ح ۱۰۴۸ به نقل از

جمال الضالّحین. و مکارم الاخلاق، ص ۲۸۴، بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۱، ح ۶۹ به نقل از اختیار ابن

الباقی.

۶. همان، ص ۶۲، ح ۱، به نقل از فلاح السائل.

۷. همان، ص ۸۱، ح ۸، به نقل از فلاح السائل.

۸. همان، ص ۷۷، ح ۱۱، به نقل از جنّة الامان.

- ۹- دعا در تعقیب دو رکعت اوّل نماز شب.^۱
- ۱۰- دعا در صبح و شام.^۲
- ۱۱- دعای عهد در هر صبح.^۳
- ۱۲- دعا در شب و روز جمعه.^۴
- ۱۳- دعا در عصر روز دوشنبه و پنجشنبه.^۵
- ۱۴- دعا در روز عید غدیر.^۶
- ۱۵- دعای ندبه در چهار عید.^۷
- ۱۶- دعا در عید فطر و قربان.^۸
- ۱۷- دعا در روز عرفه.^۹
- ۱۸- دعا در ماه مبارک رمضان.^{۱۰}
- ۱۹- دعا در شب و روز نیمه شعبان.^{۱۱}

-
۱. بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۲۴۵، ح ۵۵، به نقل از مصباح المتهجد.
 ۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۷ و احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳ و اصول کافی، کتاب الدعاء، باب القول عند الاصبح و الامساء، ح ۲۳.
 ۳. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱ به نقل از مصباح الزائر.
 ۴. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۲ به نقل از فلاح السائل.
 ۵. جمال الاسبوع، ص ۱۱۷، محاسبة النفس، ص ۲۲-۲۴، کنز الدقائق، ج ۵، ص ۳۳۴.
 ۶. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۹ و ۳۲۱ به نقل از اقبال الاعمال.
 ۷. پیوند معنوی، ص ۱۹۷.
 ۸. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۵، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۸۰ و ۲۸۴.
 ۹. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۴ و ۲۴۵ و ۲۵۵ به نقل از اقبال الاعمال، و صحیفه سجّادیه، دعای ۴۷.
 ۱۰. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۳۲ به نقل از اقبال الاعمال، و نیز اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۸، دعای افتتاح، و نیز بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۴ و ۲۸ و ۳۴ و ۳۷ و ۴۹ و ۱۰۴ به نقل از اقبال الاعمال.
 ۱۱. المصباح المتهجد، ص ۷۷۳.

- ۲۰- دعای روز دحو الارض.^۱
- ۲۱- دعای روز عاشورا.^۲
- ۲۲- دعای مسجد الحرام.^۳
- ۲۳- دعای سرزمین عرفات.^۴
- ۲۴- دعای حرم مطهر سامرا و سرداب.^۵
- ۲۵- دعای حرم مطهر رضوی.^۶
- ۲۶- دعای مساجد کوفه و سهله.^۷
- ۲۷- دعاهاى غير مقيّد به زمان يا مكان خاصّ:
 - الف- صلوات بر حضرت زهرا علیها السلام.^۸
 - ب- دعای امام رضا علیه السلام.^۹
 - ج- صلوات ابوالحسن ضرباب اصفهانی.^{۱۰}
 - د- دعای امام باقر علیه السلام.^{۱۱}

۱. البلد الامین، ص ۲۴۳.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۰۳ تا ۳۰۷ و ۳۰۹ و ۳۱۱، به نقل از المصباح شیخ طوسی.

۳. کمال الدین، باب ۴۳، ح ۹ و ۱۰، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۹۵، ح ۷ به نقل از کمال الدین.

۴. اصول کافی، کتاب الحجّه، باب فی الغیبه، ح ۱۲، نحوه استدلال در کتاب «راز پنهانی و

رمز پیدایی»، ص ۳۰ آمده است.

۵. مهج الدعوات، ص ۵۲۴، کامل الزیارات، باب ۱۰۳، ح ۱، بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۷۱،

ص ۱۰۳، به نقل از مصباح الزائر.

۶. کامل الزیارات، باب ۱۰۲، ح ۲.

۷. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۰، ح ۱۴ به نقل از امالی صدوق، همان، ص ۴۳۶، ح ۷.

۸. جمال الاسبوع، ص ۲۹۷.

۹. همان، ص ۳۰۷ تا ۳۱۴.

۱۰. همان، ص ۳۰۱.

۱۱. مهج الدعوات، ص ۵۹۸ تا ۶۰۰.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- البلد الامين، تقى الدين ابراهيم بن على عاملى كفعمى، چاپ سنگى.
- ۳- ابواب الجنّات فى آداب الجمعات (آئين جمعه)، سيّد محمّد تقى موسى اصفهاني، قم: مدرسة الامام المهدي عليه السلام، ۱۳۶۳ شمسي.
- ۴- الاحتجاج، ابو منصور احمد بن ابى طالب الطبرسي، نجف اشرف: دار النعمان، ۱۳۸۶ قمرى.
- ۵- الارشاد، شيخ مفيد، قم: كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ قمرى.
- ۶- اقبال الاعمال، سيّد بن طاووس، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۷ شمسي.
- ۷- اقرب الموارد، سعيد شرتونى.
- ۸- البرهان فى تفسير القرآن، سيّد هاشم حسيني بحراني، قم: دارالكتب العلميه، ۱۳۳۴ شمسي.
- ۹- التفسير، ابو نصر محمّد بن مسعود بن عياش سمرقندى، تهران: المكتبة العلميه الاسلاميه، ۱۳۸۰ قمرى.
- ۱۰- التوحيد، شيخ صدوق، بيروت: دارالمعرفه.

- ۱۱- التهذیب، شیخ طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۶۲ شمسی.
- ۱۲- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، تهران: المكتبة الاسلامیہ، ۱۳۹۷ قمری.
- ۱۳- بصائر الدرجات، ابو جعفر محمد بن حسن صفار، بیروت: مؤسسه النعمان، ۱۴۱۲ قمری.
- ۱۴- پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی، صدر الاسلام همدانی، تهران: انتشارات بدر، ۱۳۶۱ شمسی.
- ۱۵- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، شیخ محمد بن محمدرضا قمی مشهدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۷ شمسی.
- ۱۶- تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، قم: المطبعة العلمیہ، ۱۳۸۲ قمری.
- ۱۷- تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ورام بن ابی فراس، قم: مكتبة الفقيه (افست نسخه دارالتعارف بیروت، ۱۳۷۶ قمری).
- ۱۸- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، قم: انتشارات اخلاق، ۱۳۷۷ شمسی.
- ۱۹- جمال الاسبوع بكمال العمل المشروع، سید ابن طاووس، تهران: آفاق، ۱۳۷۱ شمسی.
- ۲۰- حدیث بندگی و دلبردگی، عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۸ شمسی.
- ۲۱- حدیث دو سفیر، سید مجتبی بحرینی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۳ شمسی.
- ۲۲- راز پنهانی و رمز پیدایی، دکتر سید محمد بنی هاشمی، تهران: انتشارات نیک معارف، ۱۳۸۴ شمسی.
- ۲۳- سلوک منتظران، دکتر سید محمد بنی هاشمی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۳ شمسی.
- ۲۴- سه رساله درباره حجة بن الحسن العسکری (عج)، محمد باقر مجلسی، با مقدمه سید محمود میردامادی، اصفهان: کانون پژوهش، ۱۴۱۶ قمری.

- ۲۵- شرح فصوص الحکم (متن: ابن عربی، شرح: قیصری)، انتشارات بیدار، ۱۳۶۳ شمسی.
- ۲۶- صحیفه کامله سجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ شمسی.
- ۲۷- صحیفه مهدیه، ترجمه محمد حسین رحیمیان، قم: دارالثقلین، ۱۳۷۹ شمسی.
- ۲۸- العروة الوثقی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، تهران: المكتبة العلمیة الاسلامیة، ۱۳۵۸ شمسی.
- ۲۹- عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، تهران: انتشارات جهان.
- ۳۰- غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد آمدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ شمسی.
- ۳۱- الغیبة، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم نعمانی، تهران: مكتبة الصدوق.
- ۳۲- فرهنگ نوین (ترجمه القاموس العصری)، سید مصطفی طباطبایی، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۸ شمسی.
- ۳۳- فلاح السائل. سید ابن طاووس، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۳۴- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۴۸ شمسی.
- ۳۵- کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، قم: نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ قمری.
- ۳۶- کرامات الحسینیه علیه السلام، جلد ۲، علی میرخلف زاده، قم: انتشارات مهدی یار، ۱۳۷۹ شمسی.
- ۳۷- کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۵ قمری.
- ۳۸- کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام (همراه با «نور الابصار» و «سراج القبور»)، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، اصفهان: انتشارات مشعل، ۱۳۸۰ شمسی.
- ۳۹- لسان العرب، ابن منظور، بیروت: دار صادر، ۲۰۰۰ میلادی.
- ۴۰- اللہوف علی قتلی الطّفوف، سید ابن طاووس، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۴۸ شمسی.
- ۴۱- مثنوی، جلال الدین محمد بلخی رومی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۳۸ شمسی.

- ٤٢- مجمع البحرين، طريحي، تهران: انتشارات المكتبة المرتضوية، ١٣٩٥ قمرى.
- ٤٣- محاسبة النفس، سيد ابن طاووس، تهران: المكتبة المرتضوية، ١٣٥١ شمسى.
- ٤٤- مرآة العقول، محمد باقر مجلسى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٩ شمسى.
- ٤٥- مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نوري، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ١٤٠٨ قمرى.
- ٤٦- المصباح، كفعمى، قم: انتشارات رضى، ١٤٠٥ قمرى.
- ٤٧- مصباح المتهدج، شيخ طوسى، مؤسسه فقه الشيعه، ١٤١١ قمرى.
- ٤٨- معانى الاخبار، شيخ صدوق، بيروت: دارالمعرفه، ١٣٩٩ قمرى.
- ٤٩- المعجم الوسيط، ابراهيم مصطفى و ...، استانبول: المكتبة الاسلاميه، ١٣٩٢ قمرى.
- ٥٠- مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمى.
- ٥١- المفردات فى غريب القرآن، راغب اصفهاني، تهران: المكتبة المرتضوية، ١٣٧٣ قمرى.
- ٥٢- مكارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسى، بيروت: مؤسسة العلمى للمطبوعات، ١٣٩٢ قمرى.
- ٥٣- مكياى المكارم، سيد محمد تقى موسى اصفهاني، قم: المطبعة العلميه، ١٣٩٧ قمرى.
- ٥٤- من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، قم: جامعة مدرسين حوزه علميه، ١٤١٣ قمرى.
- ٥٥- منهاج الصالحين، آية الله سيستاني، قم: انتشارات ستاره، ١٤١٦ قمرى.
- ٥٦- مهج الدعوات، سيد ابن طاووس، تهران: مؤسسه آفاق، ١٣٨٠ شمسى.
- ٥٧- نجم الثاقب، ميرزا حسين نوري، قم: انتشارات مسجد مقدس جمكران، ١٣٧٧ شمسى.
- ٥٨- نهج البلاغه، صبحى صالح، بيروت: ١٣٨٧ قمرى.
- ٥٩- وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٣٨٩ قمرى.

دیگر آثار مؤلف

- ۱- گوهر قدسی معرفت
- ۲- معرفت امام عصر علیه السلام
- ۳- شمیم آشنایی
- ۴- آفتاب در غربت
 - * شکر نعمت
 - * نعمت آفتاب
 - * غربت آفتاب
 - * یاری آفتاب
- ۵- آشنای غریب
- ۶- سلوک منتظران
- ۷- راز پنهانی و رمز پیدایی
- ۸- پیمان غدیر
- ۹- بیعت با مهدی علیه السلام
- ۱۰- کتاب عقل (۱-۳)
- ۱۱- در ضیافت ضریح
- ۱۲- راه و رسم پای بوسی

- ۱۳- شب‌های بی‌قراری
- ۱۴- شش‌گوشه بهشت
- ۱۵- مناجات منتظران (۱-۲)
- ۱۶- سفری به خاکساری (۱-۲)
- ۱۷- سلسله درس‌های مهدویت ۱- معرفت و بندگی
- ۱۸- سلسله درس‌های مهدویت ۲- منزلت امام علیه‌السلام
- ۱۹- سلسله درس‌های مهدویت ۳- شناخت امام علیه‌السلام
- ۲۰- سلسله درس‌های مهدویت ۴- لوازم معرفت
- ۲۱- سلسله درس‌های مهدویت ۵- نعمت امام علیه‌السلام
- ۲۲- سلسله درس‌های مهدویت ۶- غربت امام عصر علیه‌السلام
- ۲۳- سلسله درس‌های مهدویت ۷- غیبت امام عصر علیه‌السلام
- ۲۴- سلسله درس‌های مهدویت ۸- راز غیبت
- ۲۵- سلسله درس‌های مهدویت ۹- رمز ظهور
- ۲۶- سلسله درس‌های مهدویت ۱۰- انتظار فرج
- ۲۷- سلسله درس‌های مهدویت ۱۱- برکات انتظار
- ۲۸- سلسله درس‌های مهدویت ۱۲- دعا و اجابت
- ۲۹- سلسله درس‌های مهدویت ۱۳- دعا غربت امام عصر علیه‌السلام
- ۳۰- سلسله درس‌های مهدویت ۱۴- کیفیت دعا
- ۳۱- کتاب توحید ۱ (اثبات صانع)
- ۳۲- کتاب توحید ۲ (معرفت خدا)
- ۳۳- پرتو خرد
- ۳۴- تربیت عقلانی (۱-۳): زیر چاپ